

FRIDAY, SEPTEMBER 28, 1984



تورنتو

Michael Peake, Sun

IRANIANS PROTEST WITH MOCK FIRING SQUAD

About 30 members of Metro's Iranian Students Association staged a mock firing squad yesterday to demonstrate what they said "has happened to 30,000 Iranians in Ayatollah Khomeini's pris-

ons." The protest at Yonge and Bloor Sts. coincided with world-wide demonstrations in support of the Iranian People's Fedaii Guerrillas, a resistance movement supporting Kurdish rebels.

دیروز حدود ۳۰ نفر از اعضای انجمن دانشجویان ایرانی در مقرو (تورنتو) طی یک نمایش اعدام، چگونگی آنچه بر سر ۳۰۰۰۰ ایرانی در زندانهای خمینی آمده است را نشان دادند. این نمایش اعتراضی در خیابانهای یونج و بلور، همراه بود با تظاهرات سرتاسری در دنیا که به حمایت از چریکهای فدائی خلق ایران، حامی جنبش مقاومت کردها، صورت گرفت. (ترجمه متن روزنامه)



تورنتو

حمایت نیروها و شخصیت های داخلی و بین المللی از خواست آزادی رفقای دربند

فرانسه - پاریس

بدنبال آکسیون سراسری ۲۷ سپتامبر و دستگیری ۱۹ تن از رفقا در هلند، انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه، هوادار سجعاً درممد برآمد تا با همکاری و جلب حمایت سازمانها نیروها و شخصیت های برجسته ایرانی و فرانسوی به حکومت هلند فشار آورده تا هرچه زودتر رفقها را از زندانهای هلند آزاد شوند. بدین جهت فعالیت های خود را در دو بخش دفاعی و تبلیغی متمرکز نمودند.

در بخش دفاعی، هدف افشاء اعمال رژیم در کردستان و فشار آوردن از هر طریق ممکن بر روی مقامات هلندی بمنظور آزادی رفقای دربند بود. بدین جهت متنی که شامل توضیحاتی پیرامون کوچ اجباری روستائیان کرد و ستمی که بر خلق کرد اعمال شده و سپس مسئله اسارت رفقها در هلند و آزادی زنان را مطرح می نمود، تهیه شد. متن فوق مورد تأیید بسیاری از شخصیت ها و چهره های معروف فرانسوی از قبیل خانم میش بودیلار، یکی از شخصیت های معروف فرانسوی که بمنظور دفاع از استقلال الجزایر در جنگ فرانسه و الجزایر به زندان افتاد، کلود بورده، یکی از چهره های سرشناس جنبش مقاومت فرانسه، علی سیمی، یکی از وکلای مشهور مرسر - فرانسوی که با بسیاری از جنبش های جهانی همکاری می نماید و بسیاری دیگر از وکلا، استادان، محققان، خبرنگاران قرار گرفت. آنها با ارسال پیام ها و تلگراف های متعدد به نخست وزیر هلند، و سفیر هلند در فرانسه، همبستگی و حمایت خود را با رفقای دربند و محکوم نمودن رژیم جمهوری اسلامی اعلام نموده و آزادی زنان را خواستار گردیدند.

همچنین بسیاری از نیروهای سیاسی و شخصیت های ایرانی نیز ضمن محکوم نمودن رژیم خواستار آزادی رفقای دربند شدند.

اعتراض جمعی

در مقابل سفارت هلند

روز دوشنبه ۸ اکتبر، هواداران سازمان با تئنی چند از هواداران کومه له در مقابل سفارت هلند تجمع کرده و شروع به افشاء سیاست های رژیم در کردستان و خواهان آزادی رفقای دربند در هلند گردیدند. بهمین منظور ۲ تن از رفقای هوادار بسسه ملاقات سفیر هلند رفته و ضمن اعتراض به بازداشت رفقها در هلند متن های امضاء شده اعتراضی را در اختیار سفیر قرار دادند. در این رابطه سفیر هلند به اتفاق دیگر همکارانش بسسه

محل تجمع رفقا در مقابل سفارتخانه آمده و از نزدیک سئوالاتی در مورد وضعیت کردستان و شعارها جویندا گردید که پاسخ های لازم داده شد. سفیر هلند همچنین پذیرفت که متن اعتراضی و درخواست آزادی دانشجویان زندانی را به دولت هلند مخابره کرده و نتایج آنرا در اسرع وقت به رفقای نماینده گزارش نماید.

در ادامه همین حرکت، گروهی از هی های مشابهی در شهرهای لیسل و استراسبورگ در مقابل دفاتر و کنسولگری هلند برگزار گردید که در مجموع به صورت یک حرکت همه جانبه، فشار فزاینده ملاحظه ای را بر دولت هلند اعمال نمود.

تحصن

در دفتر عفو بین الملل

در روز ۱۷ اکتبر، با دریافت خبری مبنی بر وخامت حال یکی از اعتصاب کنندگان غذا در زندان، تعدادی از رفقای هوادار وارد دفتر عفو بین الملل گردیدند و با نصب پلاکاردها و شعارها، خواهان آزادی رفقای دربند گردیده و اعلام نمودند که هم اکنون جان یکی از آنها در معرض خطر قرار دارد و بهمین دلیل آنان خواهان رساندن صدای رفقای دربند بگوش افکار عمومی و مساحبه با خبرگزاری ها و کنفرانس های مطبوعاتی در محل دفتر می باشند.

مسئولین دفتر عفو بین المللی که از انجام کوچک ترین اقدامات انسانی در قبال افراد زندانی با توجه اینکه "دفتر تصمیم گیرنده عفو بین الملل در لندن است، و آنها هیچ اقدامی در این زمینه نمی توانند انجام دهند"، سعی در ظفره رفتن نمودند اما وقتی با تصمیم اعتصاب غذای رفقها در صورت عدم تحقق این خواستها در آن مکان روبرو گردیدند با خبرگزاری های مختلف تماس گرفتند و در نتیجه A.F.P. (آژانس فرانس - پرس) علل و انگیزه این حرکت و برگزار کنندگان آنرا به تمام خبرگزاری ها جهان تلکس نمود و رفقها موفق گردیدند با خبرنگار خبرگزاری آسوشیتد پرس که در محل حاضر شده بود در این زمینه به مساحبه بپردازند. آکسیون در ساعت ۶/۵ با موفقیت با تمام رسید و رفقا دفتر را ترک نمودند. در طی این آکسیون، تعداد زیادی اعلامیه توضیحی و گارت پستال - هائی بزبان فرانسوی خطاب به وزیر و سفیر هلند مبنی بر درخواست آزادی زندانیان در اختیار مردم قرار گرفت که به نظامی سفارتخانه هلند در فرانسه و به وزارت امور خارجه هلند ارسال می گردید.

متن امضاء شده توسط

شخصیت های بین المللی

۹ اکتبر ۱۹۸۴

حدود ۵ سال است که رژیم جمهوری اسلامی جنگی خونین را به خلق کرد تحمیل کرده است. سیاست جدید رژیم در رابطه با کردستان اکنون عبارت است از ویران نمودن روستاها و وادار کردن اهالی به کوچ به نقاط دیگر از ایران. بر علیه چنین سیاست جنایتکارانه ای، هواداران سازمان چریک های فدائی خلق ایران در روز ۱۷ سپتامبر اقدام به انجام یک آکسیون سراسری از جمله به زنجیر کشیدن خود در مقابل مراکز جمهوری اسلامی و دفاتر سازمانهای حقوق بشر بین المللی، تظاهرات و غیره در چندین کشور دنیا نمودند.

در هلند، بدنبال اشغال سفارت جمهوری اسلامی توسط هواداران سازمان پلیس هلند ۱۹ نفر از دانشجویان را دستگیر نموده است. بدنبال آن، کاردار کنسولگری هلند در ایران بوسیله وزیر امور خارجه ایران احضار گردید و از او خواسته شد که دانشجویان را مجازات و یا حتی به ایران برگرداند.

با در نظر گرفتن سیاسی بودن این عمل، ما امضاء کنندگان زیر از مقامات هلند خواستاریم که در مقابل شانقاژ و فشار رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تمکین نکرده و همچنین خواستار آزادی فوری این دانشجویان می باشیم.

انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه، هوادار سازمان چریک های فدائی خلق ایران،

هواداران سابق پیکار،

چریک های فدائی خلق ایران،

حزب دمکرات کردستان ایران،

هواداران وحدت کمونیستی،

لوتی آدام،

میشل بوویلا، وکیل

اوگت فازه، هنرپیشه

پیرالیا، مورخ

آلبر پل لانتن، روزنامه نگار،

گرستاو ماسیا

کلود پرو

ژنرل ره بول

کریستیان توتن

مارک ووا، نویسنده و روزنامه نگار

CEDEFIM

- انجمن دانشمویان کردستان در خارج (بخش فرانسه)
- دوستی فرانسه - شیلی
- انجمن کارگران ترکیه A. T. T.
- انترناسیونال چهار (مرکز بین المللی با سازی)
- حزب کارگران کورستان P. K. K.



۸ اکتبر ۱۹۸۴

قابل توجه وزیر دادگستری

آقای وزیر،

محترمانه از دادگاهی که در روز دهم اکتبر ۸۴، نوزده ایرانی را محاکمه میکنند که به تاریخ ۲۷ سپتامبر ۸۴ بمنظور اعتراض علیه کشتار و تبعید روستاکیان کرد سفارت ایران را به اشغال خود درآوردند، تقاضا داریم که مورد ایشان را طبق سنیسن دمکراتیک با دقت و ادراک کامل مورد مطالعه قرار دهند، و بدون محکومیت آزادی به ایشان برگردانده شود. هدف آنها مشوش کردن وضع عمومی هلند نبوده است، بلکه آنها قربانیان دیگلتا توری همینی میباشند که وی - میتواند مسبب یک فاجعه جهانی گردد.

آقای وزیر، خواهشمندیم موارد احترامات بی شائبه ما را بپذیرید.

- میشل بوریلار، وکیل پاریس
- کلود بورده، چهره سرشناس جنبش مقاومت فرانسه
- فرانسواز کوتاه، وکیل پاریس
- روبرت داووزی، کشیش
- هوکت فازه، هنرپیشه
- پیر آلبا، تاریخ شناس
- آلبرت پل لانتین، روزنامه نگار
- علی سیلی، وکیل پاریس
- ماری فرانس شیدلن، وکیل پاریس
- لوسن میثولن، رئیس انجمن دوستی فرانسه - عرب
- زرنن تیون، مدیر مدرسه تحصیلات عالی علوم اجتماعی
- اوبرت ژاپو، وکیل پاریس
- ژان آدن، مهندس
- پیر آندره او، خبرنگار
- روبرت ویال، خبرنگار
- سرژ دومو، عضو دفتر انجمن دوستی فرانسه - عرب
- فیلیپ دوما، استاد دانشگاه مونپلیه
- پیر دشیمکر، کشیش
- موریس بوئن، وکیل پاریس
- ژان رابینو ویچی، روزنامه نگار
- ژرار گد فردا، خزانه دار انجمن دوستی فرانسه - عرب
- ژان پل شانپولو، استاد دانشگاه نانسی
- کلودین رومه او، استاد فلسفه دانشگاه پاریس
- هانری لوسل، استاد دانشگاه پاریس
- ژان فیلیپ میلری، رئیس انتشارات



سانفرانسیسکو

آکسیونهای مختلف جهت آزادی

رفقای دربند

سانفرانسیسکو

جمعه ۲۷ اکتبر ۸۴

نیورک

اعتراض در دفتر "حقوق بشر"

چهارشنبه ۱۵ اکتبر در این روز عده ای از هواداران به دفتر کمیسیون حقوق بشر در سازمان ملل رفته و با مقامات این کمیسیون به گفتگو و تشریح اوضاع دانشجویان زندانی در هلند پرداختند. مسئولین حقوق بشر در نیویورک قول رسیدگی و همکاری برای آزادی رفقا را اعلام داشته و همچنین خواستار تماس های بیشتر و اطلاعات جدیدتری در مورد دانشجویان زندانی شدند.

در پی دستگیری و اعتصاب غذای رفقای رزمنده در هلند، هواداران - سچفا در شمال کالیفرنیا، در مقابل کنسولگری هلند در شهر سانفرانسیسکو اقدام به برگزاری تظاهرات ایستاده ای کردند. تظاهرات از ساعت ۱۲ بعدازظهر شروع شد. رفقا با همراه داشتن شعار، قطعنامه ای مبنی بر درخواست آزادی رفقای دربند را - به تعداد زیادی در میان حاضرین پخش کردند.

در ساعت ۲ بعدازظهر، یک نفر از رفقا بعنوان نماینده با سر - کنسول هلند ملاقات نمود. در این ملاقات که ۴۵ دقیقه بطول انجامید، از طرف رفیق نماینده نکات زیر مطرح گشت:

- بیاضیه تظاهرات که بزرگان انگلیسی نوشته شده بود، تسلیم سرکنسول گردید.

- درخواست هواداران سازمان شمال کالیفرنیا مبنی بر آزادی - رفقای دربند و نگرانی آنها در رابطه با سلامتی رفقا (اعتصاب غذا) در زندان شفاها اظهار گشت.

- در پایان اظهار شد که با توجه به جو خفقان و مسئله جنگ ایران و عراق، ایرانیان خارج از کشور مایلند نقض حقوق بشر و آزادی های دمکراتیک در ایران را بهر طریق ممکن به گوش جهانیان برسانند.

سرکنسول هلند در مقابل حاضر به اجرای مفاد زیر گشت:

- ۱) ارسال بیاضیه رفقا به وزارت امور خارجه هلند.
- ۲) ارسال تلگرافی با مضمون خواست رفقا مبنی بر آزادی رفقای دربند به دولت هلند.

اعتراض

در دفتر عفوبینا لملل

۵شنبه ۱۶ اکتبر

در ساعت ۱ بعدازظهر این روز گروهی از هواداران سچفا به دفتر سازمان عفوبینا لملل در نیویورک رفته و خواستار صحبت با مقامات این سازمان گشتند. سپس مسئولین اجرایی عفوبینا لملل در آمریکا، به همراه دیگر مسئولین با هواداران سازمان به صحبت پرداخته، در طی این گفتگو ابتدا اوضاع ایران، بویژه سیاست های اخیر رژیم در کردستان که آکسیون تسخیر سفارت در ارتباط با آن انجام گرفت، تشریح گشته، سپس توضیحاتی در مورد رفتار غیر انسانی مقامات هلندی با دانشجویان زندانی ارائه شد و درخواست گردید که عفوبینا لملل بلافاصله به مسئله رسیدگی و برای آزادی رفقا همکاری نماید. مسئولین این سازمان نیز قول همکاری داده و بلافاصله تلکس را به مرکز خود در لندن مخایره و خواهان فعالیت برای آزادی هواداران سچفا از زندانهای هلند گشتند.

اعتراض

در مقابل کنسولگری هلند

جمعه ۲۶ اکتبر

مدهای از هواداران سازمان در این روز در مقابل کنسولگری هلند در نیویورک اجتماع نموده و سپس نمایندگان انجمن و "جبهه همبستگی بین المللی در دفاع از حقوق دموکراتیک مردم ایران" خواهان ملاقات با سرکنسول هلند گشتند که با پاسخ مثبت مقامات هلند مواجه شد. در این دیدار علاوه بر سرکنسول هلند در نیویورک، وابسته مطبوعاتی این کشور نیز حضور داشت. ابتدا جناب آقای رژیم در ایران، بویژه در کردستان و مسئله کوچ اجباری روستائیان کرد که تسخیر سفارت در این ارتباط انجام گرفته، شرح داده شد، سپس رفتن غیرانسانی مقامات هلند و پلیس زندان و اعتصاب غذای رفقای زندانی تشریح گشت و از مقامات هلندی توضیحاتی در این مورد خواسته شد. مقامات سعی به ارائه پاسخهای دیپلماتیک نمودند ولی در پایان نمایندگان اعلام داشتند که برای آزادی هواداران سچفا در هلند، از هیچگونه کوششی فروگذار نخواهند کرد. همچنین در طی این دیدار و بنا به اعتراف سرکنسول هلند مشخص شد که رژیم جمهوری اسلامی به طرق مختلف فشارهای زیادی را بر دولت هلند، بویژه دادگستری این کشور اعمال کرده است. همچنین علاوه بر فعالیت های فوق، انتشار اعلامیه بزبان انگلیسی، ارسال تلگرام و تلکس، و تماس تلفنی با سفارت هلند در واشنگتن و کنسولگری این کشور در نیویورک از فعالیت های انجام شده بوده است. □

آکسیونهای مختلف جهت

آزادسازی رفقای دربند

لس آنجلس

فعالیت جهت آزاد سازی رفقای مبارزان در هلند

هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در لس آنجلس در پی دستگیری دانشجویان مبارز در هلند، اقدامات زیر را جهت آزاد سازی رفقا بعمل آوردند. در روز دوشنبه اول اکتبر به کنسولگری هلند مراجعه شد و ضمن افشای رژیم جمهوری اسلامی، حرکت کشور هلند مورد اعتراض قرار گرفت و از کنسول خواسته شد تا مراتب ناراضحتی و نگرانی ایرانیان مقیم لس آنجلس به دولت هلند اطلاع گردد.

در طول هفته رفقا با تلفتهای متوالی و ارسال تلگرام به کنسولگری و سفارت، خواستار آزادی رفقا شدند. همچنین به دفتر عضو بین المللی مراجعه شد و از طریق این دفتر، تلگرامی به دادستان مربوطه، آقای هلپتوس (Holthuis) و وزیر دادگستری آقای کورتالس (Korthals) ارسال شد.

در روز دوشنبه ۸ اکتبر، با شروع اعتصاب غذای رفقا در هلند، نظاره‌رانی ایستاده به همراه نمایندگان عکس از جنازات رژیم در کردستان، در مقابل کنسولگری برگزار گردید که گزارش آن به خبرگزاری ها مخابره شد و در روزنامه (LA Opinion) اسپانیایی زبان این شهر نیز مندرج شد. از روز هشتم اکتبر، جمع آوری امضا و ارسال نامه آغاز گردید. از روز چهارشنبه ۱۷ اکتبر، هر روز در مقابل کنسولگری هلند در لس آنجلس نمايشگاه عکس از جنایات

رژیم در کردستان و شعارهای بزرگ پارچه‌ای در دفاع از مبارزات خلق کرد و همچنین شعارهایی مبنی بر "رفقای ما را آزاد کنید"، گذاشته شد و هر روز صدها اعلامیه پخش شده و از عابرین امضا جمع آوری - گردید که در پایان روز یک نسخه آن به کنسولگری داده میشد. □

هند

دومین سالگرد شهادت رفیق عبدالامیر اهدار

بگذار بذر تیر
چون جنگلی بروید در آفتاب خون
فریاد گر شود
این بذر ها به خاک نمی ماند
در قلب خاک می شکفتد چون برق
روی فلات میگذرد چون رعد
خون است و ماندگار است.

به مناسبت دومین سالگرد شهادت رفیق عبدالامیر اهدار، هوادار سازمان پیکار (جناح انقلابی) و عضو انجمن دانشجویان ایرانی مقیم بنگلور، مراسم یادبودی از سوی این انجمن برگزار گردید. شرکت کننده کثیری از دانشجویان مبارز و مترقی در این مراسم، مشت محکمی بود بر دهان ارتجاع و زبوناں حامی آن. در این برنامه که زیر بارندگی شدید و بر مزار شهید اجرا گردید، به پاس احترام تمامی شهدای خلق، یک دقیقه سکوت اعلام و سپس شرحی کوتاه از زندگی او و مقاله‌ای در جهت افشای سیاست های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی قرائت شد. در ضمن برنامه، اشعاری از شعرای مترقی توسط رفقای شرکت کننده خوانده شد و در پایان پیام هواداران سابق پیکار، هواداران چریکهای فدایی خلق، انجمن دانشجویان مسلمان و سازمان دانشجویان ایرانی در هند، هوادار سچفا، بر پایه شعار اتحاد - مبارزه - پیروزی، با پخش چندین هزار اعلامیه انگلیسی و اطلاعاتی مطبوعاتی به روزنامه های محلی در تمامی این برنامه شرکت فعال داشت. ضمناً بهمن مناسبت، ارسوی سازمان دانشجویان ایرانی در هند، بیش از ۷۵۰۰ اعلامیه بزبان انگلیسی در شهرهای پونا، بمبئی، گانپور، میسور، جلیپور، حیدرآباد، روتک، دهلی، پوینال و ایندور بین نیروها، دانشجویان و توده های مشاق توزیع گردید. □



شب همبستگی با خلق کرد

لوس آنجلس

برگزاری شب همبستگی با خلق کرد بمنظور اعلام همبستگی با خلق قهرمانی کرده و اعتراض به جنایات بیشمار رژیم جمهوری اسلامی، بویژه در رابطه با سیاست ارتجاعی کوچک روستا ثیان، پس از انجام موفقیت آمیز برنامه سراسری هواداران در اکتوبر جهان، و از جمله اشغال سفارت رژیم در هلند، هواداران سازمان در شهر لوس آنجلس علاوه بر شرکت در برنامه سراسری و انجام تحسن در محل سازمان عفو بین الملل و تظاهرات و پیکت لاین، برنامه‌های تحت عنوان شب همبستگی با خلق کرد در تاریخ ۱۲ اکتوبر ۸۴ برگزار نمودند. این برنامه که با استقبال هموطنان مبارز روبرو گردید با موفقیت کامل برگزار شد. در رابطه با کوچک روستا ثیان توسط رژیم سخنرانی درباره زمینه تاریخی این سیاست و هدف کنونی رژیم برای پراکنده نمودن خلق مبارز کرد ایراد گردید. علاوه بر سخنرانی، برنامه‌های هنری متنوع دیگری از جمله برنامه نمایش اسلاید از وضع زندگی زحمتکشان کرد و برنامه‌های موسیقی و دکلمه اجرا گردید. همچنین فیلمی مستند از وضع مبارزات خلق کرد و حملات وحشیانه مزدوران رژیم که توسط هواداران حزب دمکرات کردستان در اختیار ما قرار گرفته بود نمایش داده شد. رفیق هواداری از حزب دمکرات کردستان قطعه شعری درباره خلق کرد قرائت کرد. در محوطه خارج از سالن اجرای برنامه، علاوه بر میز کتاب و نشریات مختلف، نمایشگاه عکسی از اکسیون سراسری ۲۷ سپتامبر (اشغال سفارت هلند) در معرض دید شرکت کنندگان قرار گرفت. ■

شب همبستگی با خلق کرد سندیاگو

در همبستگی با جنبش حق طلبانه خلق کرد هواداران سازمان در سان دیاگو برنامه‌ای را بدین مناسبت برگزار کردند. برنامه با اعلام یک دقیقه سکوت بیا دو خاطر جاویدان شهیدای بخون خفته خلق آغاز گردید. سپس بیانیه مشترک سلفا و حزب دمکرات پیرامون کوچ اجباری ساکنین روستاهای کردستان و گزارشی اکسیونهای سراسری هواداران سازمان در خارج از کشور قرائت گردید. سپس دکلمه همیشه پیشروگان در سنگرند اجرا گردید پس از اجرای قطعه‌ای موسیقی برنامه با سخنرانی در مورد تاریخچه کردستان و ریشه‌های تاریخی مبارزات خلق کرد ادامه یافت و پس از پاسخ به سئوالات و مقدمه‌ای بر فیلم یسل (YOL) برنامه با نمایش فیلم یسل پایان یافت. ■

هلند - آمستردام

روزیانودهم سپتامبر تظاهراتی با شرکت سازمانهای سیاسی ترکیه و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران هلند



شب همبستگی

حرکت کنند که درخواستها پذیرفته شود این رفقا با رفقای هواداران - زمان حرکت کردند. همچنین چند تن از ایرانیان دمکرات نیز در این تظاهرات شرکت داشتند. ■

آکسیونهای مختلف

جهت آزادسازی رفقای دربند

هلند - آمستردام

روز ۲۶ اکتبر ۸۴ اکسیونهای مختلفی برای حمایت از دانشجویانسی که در زندانهای هلند بسر می‌برند در شهر آمستردام برگزار شد:

- کمیته پناهندگان دمکرات ایرانی در هلند از مرکز شهر آمستردام تساهل دفتر عفو بین الملل دست به یک راهپیمایی زدند.

- هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در هلند در مرکز کلیسای آمستردام، یک اعتصاب غذای نامحدود را آغاز کردند.

- کمیته صدقاسیت و دیگر سازمانهای دمکراتیک در هلند حمایت خود را از این دانشجویان دربند با فرستادن پیام و نامه به زندای اعلام کردند. ■

صورت گرفت در این تظاهرات که بمناسبت ۱۲ سپتامبر با روزی برگزاری حکومت نظامی در ترکیه برگزار شد، عازمان سیاسی ترک شرکت داشتند. هواداران سازمان در این تظاهرات با آرم و پلاکارد شرکت کردند، روی پلاکاردها شعارهایی جهت محکوم نمودن حکومت فاشیستی ترکیه و حکومت ارتجاعی ایران و محکوم نمودن امپریالیسم نوشته شده بود همچنین درجین تظاهرات سرود انترناسیونال توسط هواداران سازمان (و چند تن ایرانی دیگر که شرکت کرده بودند) خوانده شد و شعارهایی به زبانهای هلندی و انگلیسی جهت محکوم نمودن حاکمیت ارتجاعی و وابسته ایران و ترکیه داده شد. در حین تظاهرات اعلامیه‌هایی با مضمون افشای رژیمهای ضد خلقی ایران و ترکیه به زبانهای هلندی و ترکی توسط هواداران سازمان بین مردم پخش شد.

لازم به تذکر است که رفقای راه انقلابی ترکیه بدلیل اینکه ۱۶ سپتامبر مراسمی بمناسبت محکوم نمودن حاکمیت فاشیسم در ترکیه داشتند در این تظاهرات شرکت نتوانستند شرکت وسیع نمایند. و چند تن از این رفقا درخواست کردند که پلاکارد هواداران سازمان پشت آرم سازمان



شب همبستگی

توضیح و پیوست :

بدلیل نقل و انتقالات پستی، گزارش آکسیونهای موفق رفقا در ایتالیا بسیار دیر بدست مسئول این بخش جهان رسید. با توجه به اهمیت این آکسیونها خاصه در رابطه با اشغال سفارت هلند (آکسیون اکتبر) بدرج قسمت‌هایی از آن در اینجا میپردازیم.

۱- سازمان دانشجویان ایرانی در ایتالیا هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در تظاهراتی که از طرف سندیکای کارگری C.G.I.L. بمناسبت بزرگداشت اول ماه مه در شهر بلونیا انجام گرفت با غلظت شرکت کرده و با پیش‌پیش از ۴ هزار اعلامیه در مورد سیاست‌های ضدکارگری رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و شرایط زندانها و زندانیان سیاسی و بخش‌های دیگر ریزبان ایتالیا طی در طول مسیر راهپیمایی در خیابانهای شهر بلونیا به افشای جمهوری اسلامی پرداخته در شهرهای دیگر رفقا با پیش‌پیش اعلامیه‌ها رژیم جمهوری اسلامی را افشانمودند. یادآور می‌شویم که بمناسبت روز جهانی کارگری پیش از ۴ هزار پوستر از طرف سازمان ایتالیا در شهرهای ایتالیا بدیوار چسبانده شد.

۲- در تظاهراتی که روز ۲۴ مارس در شهر رم از طرف سندیکای کارگری C.G.I.L. در رابطه با دستمزدها انجام گردید و یکی از بزرگترین تظاهرات دهه اخیر به شمار می‌رود سازمان ایتالیا هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با پیش‌پیش از ۱۶ هزار اعلامیه و پیش‌پیش برنامه عمل سازمان به زبان ایتالیایی به افشای چهره گریه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پرداخت.

۳- بدنیال خبر با زداشت رفقا در رابطه با اشغال سفارت جمهوری اسلامی در هلند بلافاصله سازمان ایتالیا با انعکاس این خبر و هدایت اشغال سفارت و افشای سیاستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی با احزاب و سندیکاهای کارگری و سازمان‌های مترقی تماس برقرار کرده و خواستار

همکاری آنها جهت آزادی رفقا گردید.

به همین مناسبت احزاب، سندیکاهای کارگری ایتالیا و سازمانهای مترقی با ارباب تلگرافهای اعتراضی به سفارت هلند در رم و شورای وزیران ایتالیا آزادی رفقا را خواستار شدند. همچنین یک هیئت نمایندگی از طرف سازمان ایتالیا به سفارت هلند در رم مراجعه کرده و در رابطه با عمل دستگیری رفقا نامه‌ای اعتراضی خود را تسلیم سفارت هلند نموده و خواستار آزادی فوری رفقا گردید.

اسامی بعضی از سازمانها و سندیکاهای کارگری که متن تلگرافها اعتراضی و پیامی آن تاکنون بدست ما رسیده شرح زیر است.

۱- حزب سوسیالیست ایتالیا فدراسیون

بلونیا

۲- سندیکای کارگران مسیحی A.C.I.L.

شهرستان بلونیا و حومه

۳- سازمان ملی تحت تعقیب شدگان سیاسی فدفا شیت شهرستان بلونیا و حومه

۴- سازمان ملی پارتنریتهای ایتالیا پالت اامیلیا رومانیا سناتور لوتیجی اورلاندی

۵- سازمان ملی پارتنریتهای ایتالیا کمیته بلونیا و حومه سناتور لوتیجی گاباسی

۶- سازمان ملی پارتنریتهای ایتالیا کمیته مدنا و حومه سناتور چلمینی

۷- حزب دمکراسی پرولتاری فدراسیون بلونیا

۸- حزب کمونیست ایتالیا فدراسیون مدنا

۹- کمیته فدافتناقی در ایران - مدنا

۱۰- سندیکاهای متحدی C.S.I.L.

۱۱- C.G.I.L. U.I.L. پالت اامیلیا رومانیا

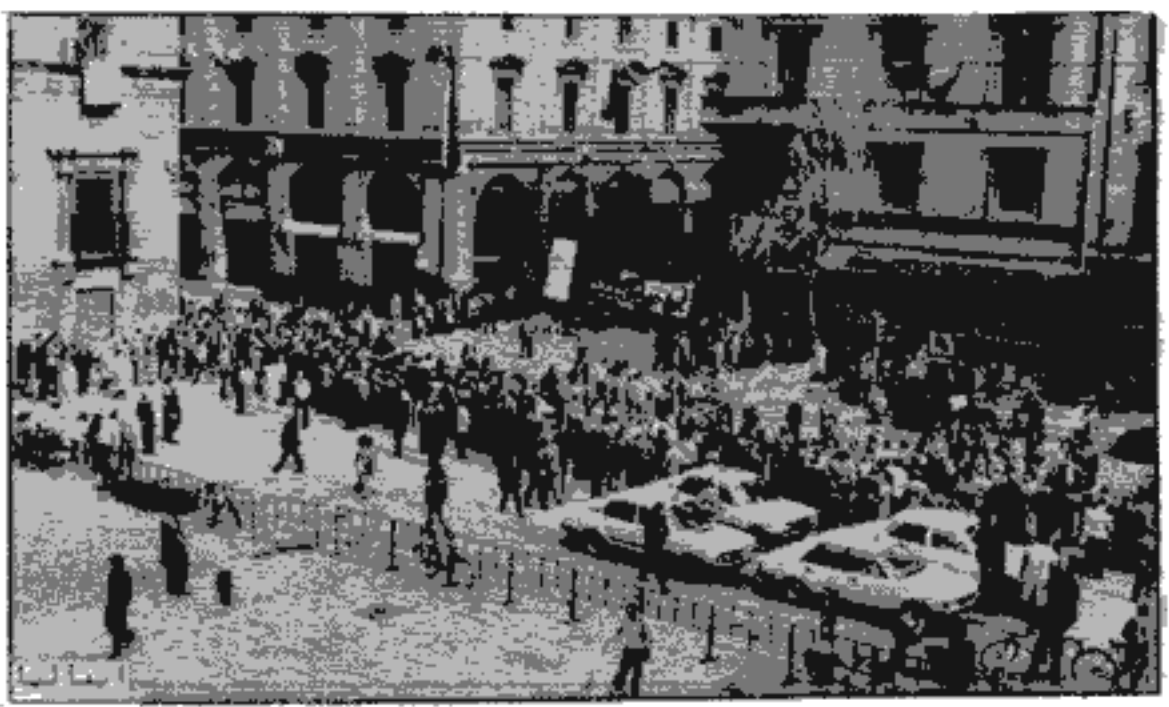


کانادا

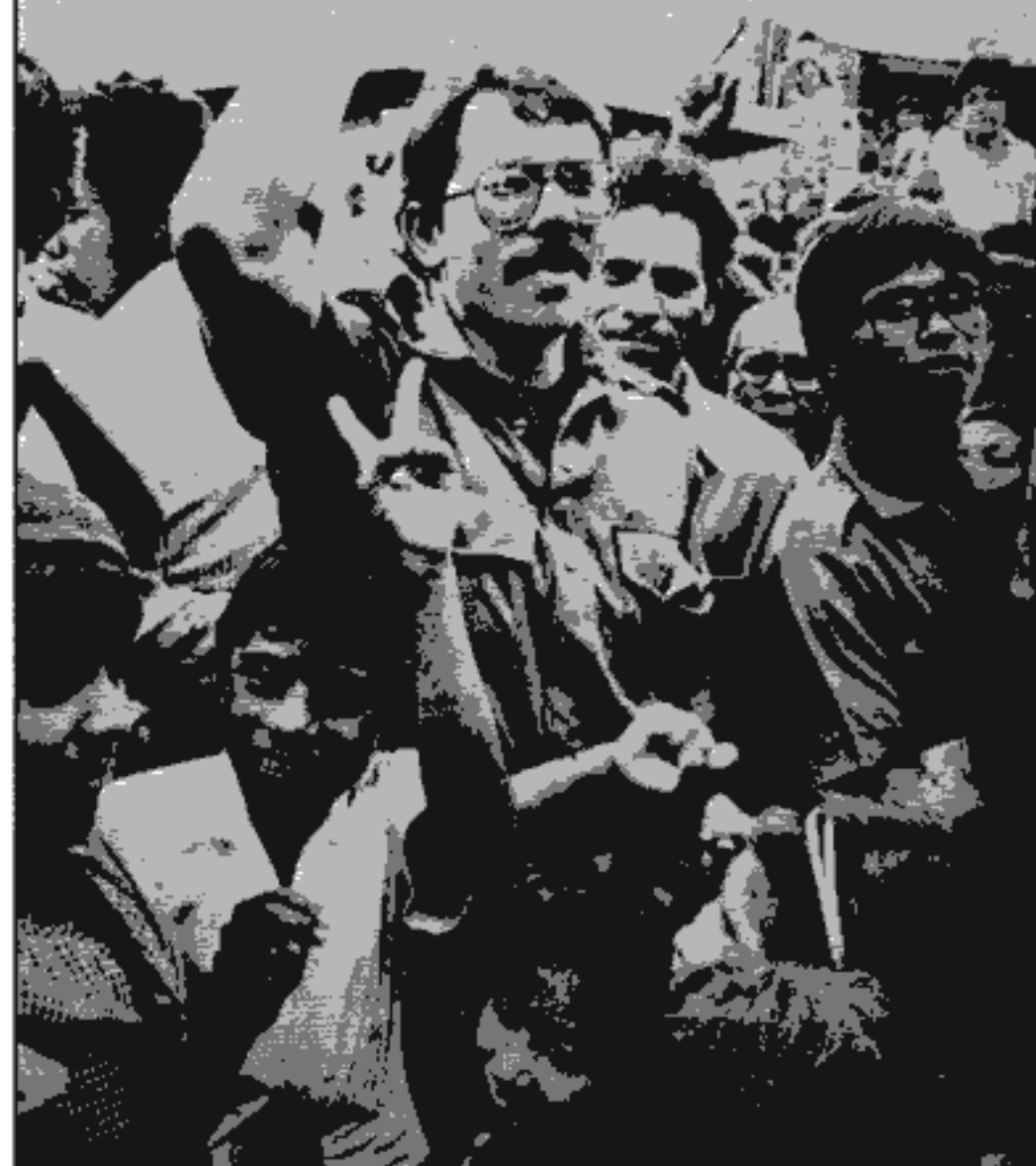
گرمیداشت نوزدهمین

سالگرد تاسیس سازمان میر

هواداران سازمان میر (شیلی) بمناسبت نوزدهمین سال بنیانگذاری این سازمان در تاریخ بیست و چهارم اوت برنامه‌ای در مونترال ترتیب دادند. در این برنامه، هواداران جبهه فارابوندومارتی (FMLN) از السالوادور، رفقای فیلیپین و همچنین هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و دیگر نیروهای آمریکای لاتین حضور داشتند. در این برنامه، پس از قرائت پیام‌های مختلف بزبان اسپانیایی، و قرائت پیام هواداران سچفا به انگلیسی سرودهای انقلابی توسط رفقای هوادار میر اجرا گردید. آنگاه شرحی از تاریخچه مبارزاتی سازمان میر، بخصوص بر علیه رژیم دست‌نشانده آمریکا، پهنوشه داده شد.



...Daniel para Presidente



¡Seguimos de frente, con el Frente FSLN

مردم نیکاراگوئه شعار انتخاباتی FSLN (جبهه ساندینیستها) را تکرار میکنند، "ما همراه با جبهه پیشش میرویم"

همواره مسائلی از قبیل "رفریمهای سوسیالیستی در سرتاسر نیکاراگوئه"، "غیر نظامی کردن حکومت و به عوض دمکراتیزه کردن جامعه"، "احترام به حقوق تاریخی مردم نیکاراگوئه" و "بالاخره "احترام به مالکیت خصوصی" و... را دربرده ابهام بیان میدارد و مرتباً از حکومت ساندینیستها انتقاد میکند و آنها را به سکتاریسم و توتالیتریزم محکوم مینماید. کاندیدای این حزب، ورجیلوگودی که وکیل و وزیر کار سابق نیز بوده، میباشد.

۳- حزب سوسیالیست نیکاراگوئه (PSN) این حزب یکم، از قدیم، تریسین

رسانده، قدرت را بدست گرفت. این جبهه خود را جبهه‌ای فدا می‌ریالیست-دمکراتیک میدانند که خواهان برقراری یک جامعه سوسیالیستی در نیکاراگوئه میباشد. کاندیدای این جبهه که فعلاً نیز در رهبری دولت است، دانیل-اورتگا میباشد. شیوه حکومتی ساندینیستها همواره این بوده است که راه حل مسائل را همراه با توده‌ها بیابند.

۲- حزب مستقل لیبرال PCI

این حزب در سال ۱۹۴۴ بعنوان یک آلترناتیو دمکراتیک در مقابل "حزب لیبرال" ساموزا بوجود آمد. این حزب یک جریان ساندینیست است که

در حاشیه انتخابات نیکاراگوئه

با سردی شدن انتخابات نیکاراگوئه که در چهارم نوامبر امسال صورت خواهد گرفت حیا با نهایی شهر ماناگوا پیر از پوسترهای تبلیغاتی در رابطه با انتخابات شده است. ۲ حزب رسمی که در انتخابات شرکت می‌نمایند، فعالیت‌های گسترده‌ای را در زمینه‌های تبلیغاتی آغاز نموده‌اند طبق برنامه ساندینیستها، هدف از انتخابات ماه آینده، ۱- استقرار کامل انقلاب و تدوین قانون اساسی در چهارچوب یک جامعه نوین خالی از ظلم و استعمار، ۲- حفظ و دفاع از دستاوردهای انقلاب، میباشد.

قبل از اعلام کاندیداتوری حزب سیاسی، رژیم ساندینیستها امکانات زیر را برای فعالیت‌های انتخاباتی این احزاب از اوایل ماه اوت فراهم نمود:

۱- لغو محدودیت‌هایی که بموجب موقعیت اضطراری در نیکاراگوئه در ماه مارس ۱۹۸۲ اعلام شده بود. طبق این قانون، کلیه احزاب توانسته‌اند آزادانه به سازماندهی و تبلیغ نظریاتشان در میان مردم بپردازند.

۲- رژیم ساندینیستها همچنین ارگان مستقلی را که نقش مستقیمی را در انتخابات آینده ایفا می‌کند بنام Supreme Electoral Council بوجود آورده است. از طرف دیگر رای گیری بطریق آزاد، مستقیم و مخفی برگزار خواهد شد و کلیه کسانی که سن ۱۶ سال به بالا دارند و واجد شرایط برای دادن رای میباشند. هر حزبی می‌تواند در هر یک از ۵۷۰۰ ناحیه انتخاباتی یک بازرسی داشته باشد تا از تخلفات جلوگیری نماید و کلیه رای‌ها در حضور این بازرسی‌سمرده خواهد شد.

احزاب سیاسی شرکت‌کننده در انتخابات ماه نوامبر:

۱- جبهه آزادپخش ملی ساندینیستها (FSLN)

این جبهه که در سال ۱۹۶۱ تاسیس شد، بعنوان پیشاهنگ مبارزه مسلحانه برعلیه دیکتاتوری ساموزا مبارزه را آغاز کرد و انقلاب ۱۹۷۹ را به پیروزی

احزاب درون نیکاراگوئه میباشد و در سال ۱۹۷۲ تشکیل شد که گروه بعثت اتحاد تاکتیک های غلط در مبارزه علیه ساموزا نتوانست در رهبری انقلاب نقشی را ایفا کند با این وصف در برنامه انتخاباتی خود را بعنوان یک حزب مارکسیست - لنینیست معرفی کرده و خواهان به پیش راندن انقلاب اجتماعی که در نیکاراگوئه در حال تکوین است، میباشد و در همین رابطه مسئله سازماندهی و دفاع نظامی قدرتمند تعدید رهبری سازمان اقتصادی، بهبود دستگاه های دولتی و پیاده کردن دموکراسی را طرح میکند. اختلاف این حزب با جبهه ساندینیست ها اکثرا در رابطه با نوع تاکتیکها میباشد. کاندیدای این حزب برای ریاست جمهوری دومینگو سانچز سلاکادو میباشد.

۴- حزب سوسیال مسیحی خلقی (PPSC)
این حزب در سال ۱۹۷۶ از حزب ارتجاعی سوسیال مسیحی انشعاب کرد. این جریان معتقد است که "انقلاب آری ولی از نوع انقلاب مسیحی، سوسیال - مسیحی های خلقی ایده های سوسیالیسم را با ایده آلیزم مذهبی درهم آمیخته اند (مانند مجاهدین) بطوریکه در پلانفرم خود حتی از شرکت کارگران در مدیریت اقتصادی و طرح شوراهای محلی به جای کمیته های دفاع ساندینیست ها سخن میگویند. کاندیدای این حزب، مورین دیاز است.

۵- حزب محافظه کار دمکرات (PCD)
این حزب از حزب سنتی محافظه کار که در سالهای اخیر در دستگاه حکومتی بودند، انشعاب کرده است. پلانفرم این حزب مبین "وحدت طبقاتی" حزب دمکرات به رهبری خرد بورژوازی (طبقه متوسط) میباشد. "وحدت اجتماعی بین سرمایه داری بخش خصوصی و کارگران - آنچنان که سرمایه داران کارگران را استثمار نکنند و در عین حال از امنیت کافی نیز برخوردار باشند." کاندیدای این حزب، سرچین گلامنته جیدو میباشد.

۶- حزب کمونیست نیکاراگوئه (PCN)
این حزب در سال ۱۹۷۵ از حزب سوسیالیست انشعاب کرد. حزب کمونیست معتقد است "ساندینیست ها جریان سوسیالیستی خرد بورژوازی میباشد که کارگران را به دام انداخته اند". این حزب معتقد به نابودی و ریخته کن ساختن احزاب بورژوازی و سوسیالیزه کردن فوری اقتصاد است و انتخابات را دامی برای رشد سرمایه داری ارزیابی میکند. کاندیدای این حزب آلن زامیرانسا میباشد که از اعضای اتحادیه کارگری است.

جنبش عمل خلقی (م.ل.) MAP-ML
این گروه در سال ۱۹۷۲ تاسیس شد که پایه آن اکثرا در بین دانشجویان بود. سازماندهی و پلانفرم این گروه شباهت زیادی به حزب کمونیست دارد. کاندیدای این حزب - ازبیر یونلز میباشد.
از احزابی که انتخابات ۴ نوامبر

را تحریم کرده اند حزب سوسیال مسیحی و حزب سلطنت طلب لیبرال و حزب سوسیال دمکرات میباشد. این احزاب نمایندگان الیگارشی قدیم و بعنوان دست راستی ترین احزاب سرمایه داری - نیکاراگوئه بحساب میآیند که رونامه ای بنام "Prensa Libre" را انتشار میدهند. این احزاب که گاملا طرفدار امپریا - لیسم آمریکا میباشد، در طی مدت ۵ سال، نقش مهمی در ایجاد تشکیلات داخلی و خرابکاری در نیکاراگوئه - بعهد داشته اند.

۷- حزب PSD ، PSC ، BLC
که شرایط شرکتشان در ۲۷ اوت بتصویب رسید، تحت رهبری آرتو کروز که قبلا سفیر نیکاراگوئه در آمریکا بود، هدایت میشود. این تشکیلات سعی دارد که تاریخ انتخابات را عقب اندازد تا از این موقعیت استفاده کرده و به جامع بین المللی بقبولاند که مسئله انتخابات از جانب ساندینیست ها جدی تلقی نمیشود.

در همین خلال کابینه ریگان مدعی شده است که انتخابات نیکاراگوئه از نوع انتخابات شوروی است و "ساندینیست ها بدینوسیله میخواهند حکومت خود را تثبیت نمایند." از طرف دیگر دولت آمریکا تنها نمایندگان به حزب ارتجاعی سوسیال مسیحی، حزب سلطنت طلب لیبرال و حزب سوسیال دمکرات را به رسمیت شناخته است که در مقابل ساندینیست ها میتوانستند بعنوان آلترناتیو مطرح باشند. - ساندینیست ها و کلیه احزاب شرکت کننده در انتخابات ماه آینده معتقدند که جریانات ارتجاعی فوق هیچگونه پایگاه اجتماعی در میان مردم ندارند و طرفداران آنها به سختی به ۱۰۰۰ نفر میرسند و این در حالی است که ساندینیست ها بیش از ۷۰۰۰۰ عضو فعال دارند که در ماه سپتامبر خانه بخانه به مردم مراجعه کرده و به تشریح پلانفرم و برنامه انتخاباتی ساندینیست ها پرداخته اند.

☆☆☆

بنا به گزارش روزنامه نیویورک تایمز مورخ ۹ سپتامبر، ضد انقلابیون مسلح نیکاراگوئه در ۶ ماه گذشته بیش از ۱۰ میلیون دلار از اشخاص و موسسات آمریکایی پول دریافت کرده اند. این کمک به PDN (تشکل ضد انقلابیون) علیرغم کاهش حمایت مالی CIA از آن، فعالیت های نظامی این جریان را افزایش داده است. به احتمال قوی سیا به PDN توصیه کرده است که به جمع آوری کمک های مالی بپردازد. ضد انقلابیون نیکاراگوئه از دولت های ونزوئلا، آرژانتین، اسرائیل، گواتمالا و تایوان نیز کمک های مهمی دریافت میکنند.

☆☆☆

از روز شنبه سوم سپتامبر ۸۲ فرمان شرمی پاپ رهبر کاتولیک های جهان در مورد منع کشیشان از اشغال پست های دولتی به اجرا درآمد.

این فرمان عمده تحت فشار محافل محافظه کار کلیسای نیکاراگوئه و بمنظور منع برخی کشیشان نیکاراگوئه از همکاری با دولت انقلابی این کشور صادر شده است. قابل توجه است که در نیکاراگوئه سه تن کشیش جز "وزرا کابینه فعلی هستند و کشیش دیگری نیز سفیر نیکاراگوئه در سازمان دول (قاره) آمریکا است. هرچند هیچ یک از ایشان هنوز از جانب واتیکان دستور رسمی مبنی بر ترک مقام خود از دولت انقلابی ساندینیست ها دریافت نکرده اند، اما محافل محافظه کار و دست راستی کلیسا میخواهند فرمان مزبور را بعمل آورند. سخنگوی کلیسا با اشاره به کشیشان انقلابی گفت: "آنها با ازبست خود استعفا میدهند و با خلق سلاح دینی خواهند." کشیشان خود معتقدند که فرمان اخیر به منظور حمله به دولت نیکاراگوئه تنظیم شده است. وزیر آموزش نیکاراگوئه، پدرو فرناندو گاردینال اظهار داشت: "حضور ما در دولت همواره ایمن حلات... را تحت الشعاع قرار داده است." وی مضمناً در پست خود باقی ماند و میگوید: "من تا عمر دارم به خدمت در راه این انقلاب ادامه خواهم داد." وزیر امور خارجه نیکاراگوئه پدرو میگوئل دواسکاتو نیز حاضر است کلیسا را ترک کند.

آرژانتین

روز ۱۵ سپتامبر ۴ ناو و یک زیر دریایی اتمی آمریکایی که همراه با نیروی دریایی شیلی دست به بست مانور نظامی زده بودند، در اثر اعتراض اهالی ناچار شدند به Puerto Madryn را ترک کنند. در این روز حدود ۵۰۰۰ نفر دست به تظاهرات زدند و جلوی دو کامیون را کسب میخواستند برای ناو ها سوخت برسانند گرفتند و مانع از سوختگیری ناو ها شدند. در این روز ۲ پرچم آمریکایی نیز توسط تظاهرکنندگان به آتش کشیده شد.

ونزوئلا

بنا به گزارش روزنامه لوموند روز ۱۹ سپتامبر طی یک درگیری در دانشگاه کاراکاس ۱۶ دانشجو و ۴ "گارد ملی" مجروح گشتند. در همین روز دانشجویان در محوطه دانشگاه برای اعتراض به سرکوب پلیس دست به تظاهرات زده و خواهان استعفای رئیس دانشگاه شدند و کلیه کلاسها را نیز تحریم کردند. صبح همان روز بیش از ۲۰۰ دانشجو دانشگاه دامپزشکی و کشاورزی که در ۱۰۰ کیلومتری کاراکاس قرار دارد، جهت ارائه خواست های خود به رئیس دانشگاه ۱۵ اتوبوس را متارزه کردند. در قسمت ورودی شهر کاراکاس "گارد ملی" درصدد جلوگیری از ورود اتوبوسها برآمد. اما اتوبوسها از روی افراد گارد رد میشوند و در نتیجه درگیری و تیر -



سابقه‌داران FMLN-FDR که در مذاکرات با رئیس‌جمهور السالوادور شرکت داشته‌اند (از راست به چپ) روبن - زامورا، کیلر موز، آنکو، سانجو، کواردادو، لیدیا - دیاز، و فرمن - سین فیوگنی، ۱۵ اکتبر ۸۴

اندازی شدیدی رخ میدهد که به دستگیری عده زیادی منجر میگردد.

السالوادور

طبق موافقتی که در تاریخ ۵ سپتامبر بین رژیم خوزه ناپلیئون دوارته، رئیس‌جمهور السالوادور و چریکهای انقلابی این کشور بعمل آمده، برای اولین بار ملاقاتی بین دوارته و نمایندگان FMLN-FDR صورت گرفت. این ملاقات که در یکی از مناطق آزاد شده السالوادور در تاریخ ۱۵ اکتبر و به کمک ماموران حفاظتی طلب سرخ جهانی بوفوع پیوست، بمنظور پیدا کردن یکراه حل مسالمت آمیز برای پایان بخشیدن به جنگ داخلی السالوادور ترتیب یافته بود. در این ملاقات ۵ تن از رهبران گروههای چریکی السالوادور و لیبر موآنکو (Guillermo Ungo)، رهبر جبهه دمکراتیک انقلابی با رئیس‌جمهور السالوادور دیدار کردند. طرفین در دو نوبت با یکدیگر ملاقات خواهند کرد و طرحهای ارائه شده از جانب دو طرف مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در زمینه این ملاقات و مذاکرات در جهان شماره آینده مطالب مفصلتری خواهد آمد.

شیلی

روز ۴ سپتامبر، رژیم دیکتاتوری پینوشه در سانتیاگو مقررات منع عبور و مرور را وضع کرد. این اقدام بعد از سرکوب وحشیانه روز اعتراض عمومی که ۴ کشته بجای گذاشته بود، صورت گرفت. پلیس از روز ۱ سپتامبر محله‌های مختلف شهر را محاصره کرده و به دستگیری و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم دست زده بود. تشکلهای اصلی شیلی یعنی "ائتلاف دمکراتیک"، "بلوک سوسیالیست"، "جبهه دمکراتیک خلقی" و "فرماندهی علم کارگران" -

تصمیم به برگزاری یک آکسیون اعتراضی در ۲ روز پیاپی میکنند. مشخصه اصلی ۲۴ ساعت اول این آکسیون، سرکوب کور از جانب دولت بود که هدف آن به وحشت انداختن مردم بود. در این مدت پلیس به زن و مرد، کودک، رهگذر و خبرنگاران به سختی حمله نمود. در محله‌های فقیر مردم برای مقابله با پلیس خیابانها را سنگر بندی کرده و درگیری سختی را به پیش برده بودند. در این میان در حالیکه نیروهای لیبرال اپوزیسیون مردم را به آرامش دعوت می‌کردند، سازمان میر و "جبهه سپین پرستان مانوئل رودریگز" عملیات نظامی خود را افزایش دادند.

اروپا

انگلستان

بنا بر گزارش روزنامه لوموند، اعتصاب کارگران بارانداز بنادر انگلستان که در روز ۲۴ اوت شروع شده بود، در روز ۱۸ سپتامبر در یک جو بی تفاوتی به پایان رسید. حدود نیمی از کارگران بارانداز در اعتصاب شرکت نکرده و به کار خود ادامه دادند. به همین دلیل این اعتصاب نتوانست به اهداف خود دست یابد. دبیر کل سندیکای اصلی باراندازان از رفتار بسیاری از سندیکالیستها اظهار ناامیدی کرده بود. در روز ۱۸ سپتامبر توافق در مورد آنچه که باعث شروع اعتصاب شده بود، صورت گرفت. در این توافق کارفرمایان پذیرفته‌اند که در صورت اعتصاب، کارگران دیگری را برای ادامه کارها شیاء وند ولسی سندیکاها هم پذیرفته‌اند که ذخایر حداقل کارخانه فولاد سازی منطقه آموس را تامین کنند. کارگران بارانداز به منظور حمایت از اعتصاب کارگران معادن، از تخلیه بار کشتی‌هایی که برای این کارخانه ذغال سنگ می‌ورند، خودداری نمودند.

آفریقا

آفریقای جنوبی

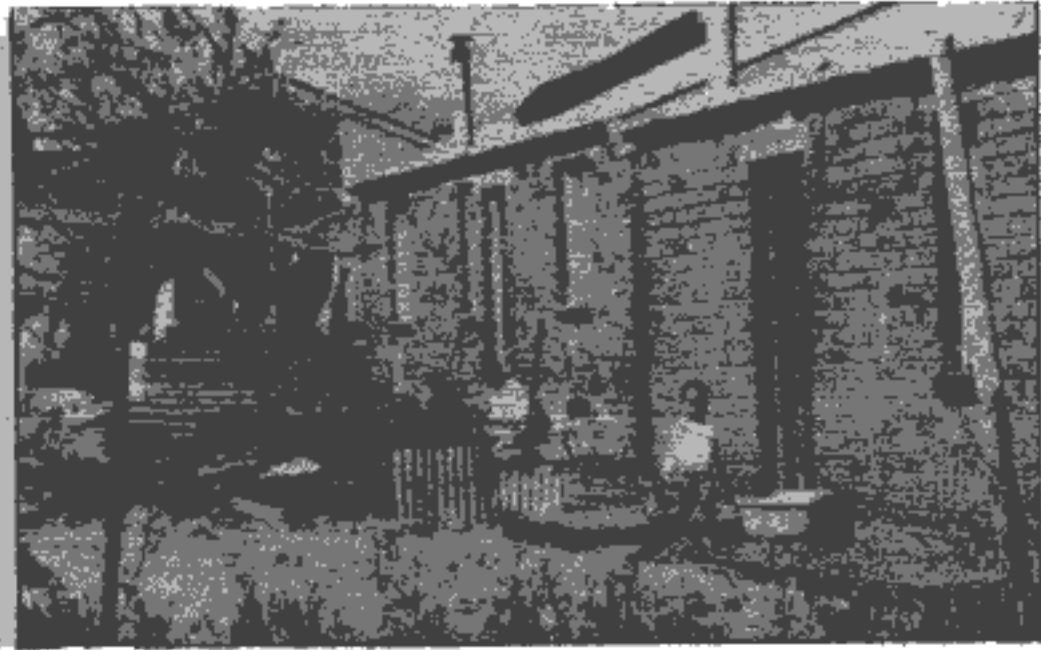
بنا بر گزارش روزنامه لوموند استریت زورنال مورخ ۱۸ سپتامبر، در روز ۱۷ سپتامبر سفنگوی پلیس چریکهای هندوراس یک ایستگاه رادیویی پوتوریا اعلام کرد که ۲ مرد سیاه‌پوست در پایتخت این کشور را به تصرف خود درآوردند و بیانیه‌ای مبنی بر اعتراض پلیس در محله سیاه نشین کشته شده‌اند. به اطاعت دولت هندوراس از آمریکا و در همان روز چند زن نیز که با حضور قوای نظامی آمریکا در این کشور گلوله‌ای در سر کشته شده بود، کشف بخش نمودند. چریکهای "جبهه آزادی -

آرژانتین

در روز ۳ سپتامبر اولیوس اعتبار عمومی بر علیه دولت آلغوسین بنادر و کارخانه‌های مهم آرژانتین را فلج کرد. دولت اعلام کرده بود که این اعتصاب یک نوع "تجاوز به دمکراسی" است. نرخ تورم سالانه در آرژانتین به ۶۱۵٪ رسیده است. این اعتصاب همزمان با شروع مذاکرات دولت آرژانتین با هیئت نمایندگان صندوق بین‌المللی پول صورت گرفت. شرط اولیه صندوق جهانی پول برای دادن وام، وارد آوردن فشارهای اقتصادی روی مردم، یعنی اجسرای "برنامه فشار" از طرف دولت آرژانتین است.

هندوراس

بنا بر گزارش روزنامه وال - استریت زورنال مورخ ۱۸ سپتامبر، در روز ۱۷ سپتامبر سفنگوی پلیس چریکهای هندوراس یک ایستگاه رادیویی پوتوریا اعلام کرد که ۲ مرد سیاه‌پوست در پایتخت این کشور را به تصرف خود درآوردند و بیانیه‌ای مبنی بر اعتراض پلیس در محله سیاه نشین کشته شده‌اند. به اطاعت دولت هندوراس از آمریکا و در همان روز چند زن نیز که با حضور قوای نظامی آمریکا در این کشور گلوله‌ای در سر کشته شده بود، کشف بخش نمودند. چریکهای "جبهه آزادی -



حدود ۲۵ هزار کارگر معادن طلا دست به اعتصاب زدند که منجر به یک درگیری خونین ۶ ساعته با پلیس شد.

سولتو: وقتی که کرایه خانه ها را در مناطق سپاه نشین افزایش دادند، ساکنین منطقه با این شعار که "ما مخارج ستم بر خود را نمی پردازیم"، به اعتراض و امتناع پرداخت پرداختند.

آسیا یمن جنوبی

بنا به گزارش روزنامه کریمتین ساینس مونیخ مورخ ۴ اکتبر در جنگ قدرتی که بین دو جناح حکومت مارکسیستی یمن جنوبی در جریس می باشد، به نظر میرسد که "افراطیون" قدرتمندتر میگردند. هر دو جناح طرفدار شوروی هستند، لیکن "جناح معتدل" خواهان روابط خوب و دریافت کمکهای اقتصادی بیشتری از عربستان سعودی و سایر کشورهای ثروتمند نفتی میباشد، در صورتیکه "جناح افراطی" خواهان نزدیکی هرچه بیشتر به مسکو حتی به قیمت از دست دادن کمک های عربستان، کویت و امارات متحد عرب میباشد. علی ناصر محمد، رهبر "جناح معتدل" که در طی یک کودتای بدون خونریزی و پس از سرکوباری "جناح افراطی" فاتح اسماعیل در آوریل ۱۹۸۵ به قدرت رسید، هم اکنون رهبر کشور یمن جنوبی میباشد. اما "افراطیون" از ماه مه گذشته و به هنگامیکه ۴ تن از جمله وزیر دفاع، مسلم قاسم به پلیت بورو راه یافتند، قدرتمندتر گشتند. به نفع از وزرای جدید از طرفداران "جناح افراطی" میباشد. "قاسم" که در ماه اوت - گذشته با مارشال یوستیف، وزیر دفاع شوروی ملاقات نمود، از حمایت مسکو برخوردار میباشد. یمن جنوبی بخاطر اینکه بر سر راه تنگه باب - المندب و در یک منطقه نفتی قرار دارد، دارای موقعیت استراتژیکی مهمی میباشد.

عراق

بنا به گزارش روزنامه نیویورک تایمز (۵ سپتامبر)، در زدوخوردی که بین سربازان عراقی و حزب دمکرات کردستان عراق در تاریخ ۲۶ اوت رخ داد، ۱۵۵ سرباز عراقی کشته و بیش از ۲۷ سرباز زخمی شدند. بدنیال این حمله روز ۲۸ اوت سربازان عراقی مجدداً به مقر پیشمرگان کرد حمله کردند که طی آن ۹۷ سرباز کشته شدند.

هیئت نمایندگی اتحادیه حقوق بشر از زندانیان ۲ - رسیدگی پزشکی به زندانیان سیاسی تا جاشیکه وضعیت سلامتی شان بهبود یابد.

لیبی

در اواسط سپتامبر توافق بین دولت های لیبی و مراکش صورت پذیرفت که دو کشور در پی یک قانون اساسی مشترک با یکدیگر همکاری نمایند و بصورت یک کشور مشترک درآیند. البته این چندمین بار است که چنین توافق هائی در صحنه بین المللی از جانب لیبی طرح شده است ولی هیچیک از پیشنهادهای لیبی جدی تلقی نشده است لیبی تا بحال بعنوان یکی از کشور - های که کمکهای زیادی به جنبش صحرای بطور اخر به جبهه پولیساریو میگرد ساخته شده بود. با این پیشنهاد لیبی دیگر کمکهای خود را به جنبش صحرای ادامه نخواهد داد.

قذافی بمناسبت یادهمین سالگرد بقدرت رسیدنش، طوسی بیگ سخترانی اظهار داشت که "توافق" و اتحاد او با مراکش باعث نشده است که "سارزه با امپریالیسم و رهاستسی فلسطین و چاد را فراموش کند. قذافی زمانی این سخترانی را ایراد میکند که متخصصین آمریکائی نفت لیبی را استخراج و به بازار عرضه میکنند. تحقق طرحهای عظیم تنها بوسیله متخصصین کشورهای امپریالیستی در لیبی انجام میگردد. امروز تعداد مهندسین، تکنسین ها و مدیران آمریکائی در لیبی بیش از هر زمان دیگر است. دو سال پیش تعداد آنان ۵۰۰ نفر بود در حالیکه اکنون به ۲۰۰۰ تن رسیده اند. همچنین قذافی اعلام نمود که در مورد چاد، درسی بدتر از درس "دین بین نو" به - فرانسویها خواهد داد. ولی بعد از مدتی اعلام کرد که بهبود روابط همه جانبه لیبی و فرانسه مهمترین امر سرنوشت چاد است.

شده است. در همین روز اعتراضات دانشجویان دانشگاه شمال (مخمسومی سیاهان) که از سه هفته پیش کلاس ها را تحریم کرده بودند، ادامه یافت.

از طرف دیگر اولیای اعتصاب "قانونی" در آفریقای جنوبی، اعتصاب کارگران معادن طلا در روز ۱۷ سپتامبر با استقبال حدود ۲۰۰۰۰ کارگر معدن مواجه شد. این اعتصاب با یک اعتصاب دیگر در غرب ژوهانسبورگ در معدن گورهام - کلیپ تکمیل شد که این اعتصاب دوم از جانب دولت "غیرقانونی" اعلام شد.

روز ۲۲ سپتامبر، مذهبیت بکسی از معادن آفریقای جنوبی اعلام کرد که درگیری خونینی در این معدن صورت گرفته است و طی آن ۲ نفر کشته و ۱۵۴ نفر زخمی شده اند. درگیری موقعی آغاز شد که کارگران شیفت شب به طرف پلیس سنگ انداخته اند و پلیس نیز با شلیک گلوله های کاشوچوشی به آنان حمله کرد. در مراسم تشییع جنازه کارگران، زدوخورد شدیدی بین مردم و پلیس رخ داد و پلیس بیش از ۵۰۰ تن را دستگیر کرد. موج ناراضی در آفریقای جنوبی از دو ماه قبل بشدت ادامه دارد و مردم وارد مبارزه رو - در رو با مزدوران رژیم پوتورپا شده اند.

مراکش

بنا بر گزارش روزنامه لوموند روز ۷ سپتامبر زندانیان سیاسی مراکشی که به مدت ۲ ماه در اعتصاب غذا بودند، در پی پذیرش برخی از خواسته ها بشان توسط مقامات دولتی، اعتصاب خود را موقتاً قطع کردند ولی اگر این خواسته ها برآورده نشود از ۲۴ سپتامبر مجدداً اعتصاب را - شروع خواهند کرد، مواردی که مورد توافق دولت قرار گرفته است عبارتند از: ۱- ملاقات روزانه خانواده های زندانیان با زندانیان سیاسی که در بیمارستان بستری شده اند، ۲- دیدار

علاوه بر تظاهرات توده‌ای وسیع ضد رژیمی که سالگرد قتل آکینو و بخصوص چندین تظاهرات رزمی شده دانشجویی در طی هفته‌های اخیر، زدو خورد شدیدی نیز بین نیروهای کمونیست و سربازان فلیپینی در روز ۳۰ سپتامبر رخ داد که پنا به گزارش نیویورک تایمز، منجر به کشته شدن ۱۶ نفر از دو طرف گردید. رفیق کمپانی Cortez نیز در میان کشته شدگان بود. در این درگیری بیش از ۱۰۰ تن از اعضای "ارتش نوین خلقی" که با زوی مسلح حزب کمونیست فلیپین است، ۱۱ کشته بجای گذاشت. این زدو خورد هنگامی آغاز گشت که چریکهای "ارتش نوین خلقی" به سربازان محافظ کمپانی مزبور واقع در ۵۰ مایلی جنوب شرقی مانیل حمله نمودند و به درگیری با سربازان دولتی مشغول شدند.



دانشجویان مبارز فلیپینی در حال فرار از حملات گاز اشک آور و تیراندازی های پلیس، مانیل - سپتامبر ۸۲

اسرائیل

در اواسط ماه سپتامبر، دولت اسرائیل تصمیم گرفت مخارج بودجه ی سال جاری را به میزان ۱ میلیارد دلار (۵٪) کاهش دهد. از طرف دیگر ارزش - شکل (پول اسرائیل) نیز ۹٪ کاهش یافته است. وزیر امور مالی اسرائیل گفته است که این "اقدام اول" دولت است یعنی اینکه بزودی اقدامات مشابه دیگری صورت خواهد گرفت. میزان بیکاری در اسرائیل ۶٪ جمعیت فعال را شامل میشود. صور - ۲۹٪ (برای محصولات غذایی ۲۰٪) است.

در اواخر سپتامبر، سفارت انگلستان در چین اعلام کرد که دولت های چین و انگلستان پس از ۲ سال مذاکره در مورد آینده هنگ هنگ، به توافق رسیدند که طبق آن هنگ هنگ بعد از سال ۱۹۹۷ تحت حاکمیت چین قرار خواهد گرفت. چین اعلام کرده - است که بعد از سال ۱۹۹۷ نیز ساختار اقتصادی - اجتماعی هنگ هنگ تغییر نخواهد یافت و هنگ هنگ و چین یک کشور با دو سیستم اقتصادی - اجتماعی مختلف خواهند بود.

۶۵٪ از حقوق کارکنان اسرائیل بعنوان مالیات به جیب دولت میرود.

ویتنام

نگوین کوناج، وزیر امور خارجه ویتنام در مصاحبه‌ای با خبرگزاری واپنی گیز اعلام کرده که دولت ویتنام حاضر است بدون هیچ قید و شرطی در مورد مسئله گامبوج مذاکره کند و میانجیگری احتمالی کشور سومی نظیر ژاپن را نیز خواهد پذیرفت. وی اضافه کرد که یک کمیسیون کنترول بین المللی نیز میتواند بر حفظ صلح در گامبوج نظارت کند.

اعتصاب کارگران ۵۵۰ نفره از صفحه مقابل

واقع باید گفت حل قطعی و همیشگی "امنیت شغلی" در چهارچوب سیستم موجود امری غیرممکن میباشد، چرا که بیکاری و نداشتن امنیت شغلی برای کارگران یکی از خصوصیات سیستم سرمایه‌داری میباشد. از طرف دیگر، پیشرفت تکنولوژی و استفاده از کامپیوتر و ماشین های اتوماتیک در خطوط تولید و خدمات باعث بیکاری شدن عده وسیعی از کارگران و زحمتکشان گشته و خواهد شد. واضح است که کارگران با پیشرفت تکنولوژی هیچ گونه مخالفتی ندارند، بلکه همیشه طالب و خواهان آن هستند. بنابراین برای حل تضاد بین استناد، از تکنولوژی پیشرفته در خطوط تولید و خدمات از یکطرف و بیکاری کارگران و زحمتکشان از طرف دیگر، اتحادیه‌ها باید یکی از مبارزات اساسی خود را بر مبنای تقلیل ساعات کار گذاشته تا مقدار کار موجود بین تعداد کارگران بیشتری (با همان حقوق قبلی) تقسیم شود و بدینوسیله بیکاری کاهش پیدا کند. اگرچه کارگران توانستند با اعتصاب خود به بخشی از خواست‌های خود برسند، اما بفاطمه اینکه میتوانند بیشتر از آن چیزی که بدست آوردند، دستاورد داشته باشند چون کارگران عمدتا رهبری را در این مورد مقرر می‌دانند، میتوانند تغییراتی در رهبری را با خواست‌های رادیکال از ۱ میلیارد دلار احتیاج دارد و در تر در آینده انتظار داشت.

تاکنون موافقتنامه فوق انتشار بیرونی پیدا نکرده است ولی منابع گاه و بگاهی از رهبران اتحادیه‌ها اقراراتی کلی به مفاد آن نموده‌اند. در نظر دارد تا سال ۱۹۹۰ تعداد واردات اتوموبیل های کوچک را به ۱ میلیون در سال برساند و در نتیجه عده زیادی از کارگران بیکار خواهند شد. اتحادیه قصد داشت یک نسوع محدودیتی را در این مورد به GM تحمیل کند ولی در عوض تنهایی ضمانت با رنگهداری قسمت تولیدات اتوموبیل های کوچک در آمریکا راضی گشتند. کل افزایش حقوق (دستمزد و امتیازات دیگر) به حدود ۲۰٪ برای سه سال آینده در نظر گرفته شده است و حتی در بعضی از بخش‌های مورد اختلافات، رهبران اتحادیه تن به کاهش امتیازات بدست آمده از قبل دارند (مانند "کمک معاش"). در عین حال GM راضی شد که بودجه‌ای در حدود ۱ میلیون دلار برای ایجاد "امنیت شغلی" بپردازد که این مقدار در مقایسه با تعداد کارگران و حقوق آنها مبلغ قابل ملاحظه‌ای نیست. (حل حقوق و امتیازات متوسط یک کارگر اتوموبیل سازی در سال حدود ۵۰۰۰۰ دلار میباشد) بخصوص اینکه تعداد کارگرانی که در عرض چند سال آینده بیکار خواهند شد و همچنین دهها هزار کارگری که از این مجموعه تاکنون بیکار شده‌اند، هزینه‌ای بیش از ۱ میلیارد دلار احتیاج دارد و در تر در آینده انتظار داشت.

واحدی مختلف اتحادیه از موافقتنامه مزبور ناراضی بودند. یکی از رهبران اتحادیه محلی (۱۶۰) اظهار داشت که "قرار بود امنیت شغلی مسئله اساسی ما باشد ولی این قرارداد یک ذره هم در کم کردن نیروی کار از جانب کارفرما به ما پاری نمی‌رساند. اگر این قرارداد به تصویب برسد (برای تصویب قرارداد، رای مثبت اکثریت کارگران لازم است - "جهان" اتحادیه را تضعیف کرده و دیگر قادر نخواهد بود آنطور که باید در مقابل شرکتهای چندملیتی مبارزه کند. بهرحال قرارداد پیشنهادی با مخالف کارگران زیادی روبرو شد و حتی چند اتحادیه محلی (بهراه رهبرانشان) پیشنهاد برگشت به کار رهبری مرکز را رد کرده و به اعتصاب ادامه دادند تا اینکه به دستور رهبری مرکز و با تهدید به تنبیه انضباطی آنها به سر کار خود برگشتند. قرارداد پیشنهادی اگرچه با مخالفت اکثریت کارگران روبرو بود، اما با اصرار رهبریت و بحث‌های شدید و طولانی، بالاخره رای لازم برای تصویب را بدست آورد. ۴۲٪ کارگران به این قرارداد رای مخالف دادند. در عین حال شاخه اتحادیه فووق در کانادا بلافاصله و بطور کلی توافق نامه آمریکا را رد کرده و در حال حاضر و بعد از پایان قراردادشان در اعتصاب بسر می‌برند، و تا این لحظه به هیچگونه توافقی نرسیده‌اند.

اعتصاب کارگران جنرال موتورز



رئیس اتحادیه کارگران اتوموبیل (UAW) و اوشن باپیر (فرد با عینک) و تیم مذاکره، توافق های اخیر خود را با جنرال موتورز (GM) اعلام داشتند

بیش از دهها هزار نفر کارگر کارخانه اتوموبیل سازی جنرال موتورز بعد از پایان قراردادشان، از سیمه شب جمعه ۱۲ سپتامبر دست به اعتصاب موضعی زدند.

چندین هفته قبل از پایان قرارداد، داده نمایندگان اتحادیه کارگران اتوموبیل سازی (UAW) و نمایندگان جنرال موتورز (GM) مذاکرات خود را برای رسیدن به موافقتنامه های جدید شروع کردند. طبق آخرین قرارداد که بین نمایندگان اتحادیه کارگران و کارخانه فوق در سال ۱۹۸۲ و در اوضاع وخیم اقتصادی و بر اثر فشار و تهدید مدیریت مبنی بر بستن کارخانه، بسته شد، کارگران حدود ۱۳/۵ میلیارد دلار متضرر گشتند بخصوص اینکه در این مدت یعنی در سال های ریاست جمهوری رونالد ریگان تمام سیاست های اتخاذ شده از جانب بورژوازی، ضدیت مریبان با کارگران و اتحادیه ها بوده، و توانسته اند حدود ۳ میلیون نفر را در سطح آمریکا از تعداد کل کارگران متشکّل در اتحادیه حذف نمایند. بنا براین مدیریت کارخانه GM در حالی به دیدار نمایندگان UAW میروند که قدرت اتحادیه ها در مجموع نسبت به قبلی تضعیف گشته است.

با اینکه امروز GM رکورد سود فروش (درواقع چیاول بیشتر کارگران و رحمتکشان) را شکسته است و مبلغ آن را بین ۸ تا ۱۲ میلیارد دلار برای سال ۱۹۸۲ تخمین میزنند، بنا براین پیشنهادانی پائین و در حقیقت بسیار درخواست عقب نشینی مجدد از جانب کارگران، بر سر میز مذاکره نشست. نمایندگان GM خواهان ثابت ماندن حقوق کارگران بدون هیچگونه افزایش، کاهش ۲۰٪ از "کمک معاش" (مفروضی که بر اثر مبارزه متحد کارگران در گذشته بدست آمده است)، و همچنین کاهش حقوق استخدامی کارگران جدید، شدند و در عوض پیشنهاد ۱٪ "پاداش" بجای افزایش حقوق را ارائه دادند. تاکتیک دادن "پاداش" بجای افزایش حقوق بدین منظور اتخاذ شده بود که اگر مبلغ فوق "پاداش" تلقی شود، در این صورت جزو حقوق رسمی و پایه های محسوب نگشته و بنا براین مزایای دیگری بر مبنای حقوق پایه های تعیین میگردد، ثابت خواهد ماند. در صورتی که اگر به حقوق اصلی اضافه شود، علاوه بر افزایش مزایا، در عین حال در طولانی مدت کارگران را در موضعی بهتر برای مذاکرات آتی قرار خواهد داد. همچنین GM تهدید کرد که بجای تولید در داخل کشور (آمریکا) واردات وسایل لازم و اتوموبیل های کوچک از کشورهای دیگر را افزایش خواهد داد. باید خاطر نشان کرد که این تهدید صرفاً تهدیدی توخالی نمیباشد چرا که بخاطر تولید ارزان تر

در کشورهای دیگر از جمله: ژاپن، کره جنوبی، مکزیک، اروپا و ... بیشتر کارخانه ها به خارج از آمریکا منتقل میگردد (دستمزد ارزان و - استثمار بیشتر در اغلب این کشورها دلیل عمده این عمل میباشد)، و این همه در حالی است که رئیس کارخانه GM آقای "راجر اسمیت" شخصاً مبلغ ۲۳۳۰۰۰ دلار بعنوان پاداش سالانه دریافت کرده است.

اما کارگران با آگاهی به این امر که GM قصد دارد برای کسب سود بیشتر و با استفاده از ماشین های اتوماتیک در عرض چندین سال آینده ۸۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ کارگر را اخراج نماید (در حال حاضر ۳۰۰۰ ماشین اتوماتیک در ۱۵۱ واحد GM کار گذاشته شده و در نظر است که تا سال ۱۹۹۰ تعداد آن ها به ۱۴۰۰ برسانند)، "امنیت شغلی" را بعنوان یکی از مهمترین خواست های خود درکنار

امزایس حقوقی، محدود کردن واردات مربوطه، و مزایای دیگر مطرح نمودند البته پیشنهادات فوق تاکنون انتشار علنی پیدا نکرده و بنا براین بررسی "جز" به جز آن در حال حاضر ممکن نیست بدین ترتیب مذاکرات شروع شد. اما طرفین نتوانستند قبلاً از تمام موعده مقرر به هیچگونه توافقی برسند. سپتامبر ۱۹۸۲، حدود ۶۲۰۰۰ کارگر اتوموبیل سازی GM در ۱۳ واحد تولیدی وارد اعتصاب موضعی گشتند. در واقع تعداد کارگران کارخانه فوق که در UAW متشکل شده اند، حدود ۳۵۰۰۰۰ نفر که در ۱۵۱ واحد مختلف در سراسر آمریکا مشغول بکار هستند، میباشد. تاکتیک اعتصاب موضعی که از طرف رهبریت اتحادیه پیشنهاد و به - مورد اجرا گذاشته شد، آن چیزی نبود که مورد علاقه تمام کارگران باشد. اولاً کارگرانی که وارد اعتصاب گشتند مجبور بودند بجای حقوق هفتگی به ۸۵ دلار در هفته که از صندوق اعتصاب پرداخت میشد، بسده کنند. ثانیاً برخی از کارگران اظهار میداشتند که اگر تمام کارگران در آن واحد وارد اعتصاب شوند، با قدرت نمایی بیشتری قادر خواهند بود به اهداف خود برسند.

اعتصاب کارگران به مدت ۶ روز ادامه داشت تا اینکه در ۲۱ سپتامبر اعلام شد که بین نمایندگان طرفین توافق حاصل گشته و رهبران اتحادیه از کارگران خواستند که به سر کار خود برگردند. جالب توجه اینکه، هم رهبران اتحادیه و هم مدیریت GM و ارگان های سرمایه داری از جمله "وال استریت ژورنال" از این موافقت نامه به خوبی یاد کردند و آن را یک پیروزی تلقی نمودند. اما عده کثیری از کارگران و برخی از رهبران

آنکه ناموخت از گذشت روزگار نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

توضیح

مسعود رجوی به مناسبت آغاز بیستمین سال بنیانگذاری سازمان مجاهدین، پیامی انتشار داده است که از جوانب مختلف در خور تأمل و بررسی است. این پیام تحت عنوان "پیام برادر مجاهد مسعود رجوی فرمانده عالی و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران بمناسبت آغاز بیستمین سال بنیانگذاری سازمان" در مجاهد شماره ۲۱۹، انتشار یافته است. بدلیل اهمیت این پیام، بخصوص از این زاویه که رجوی

ضمن بیشترین حمله به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، درصدد توجیه دریافت پیامهای اخیر از سران امپریالیسم و روابط خود با امپریالیستها برآمده است، در چند شماره "جهان" بدان خواهیم پرداخت. این پیام انعکاس آشکارتری است از راست روی مجاهدین، نزدیک شدن آنها به امپریالیسم و دور شدنشان از نیروهای انقلابی. ما قبل از بررسی جزئیات آن، تم حاکم بر این پیام را در مقدمه ای کوتاه ترسیم می‌کنیم.

مقدمه

پیام رجوی، اعتراف به شکست است. عاصی از درماندگی‌ها و ندانم‌کاری‌هاست. پیامی است عمیقاً از موضع ضعف. پیامی است جهت‌توجیه سازش‌ها که آنرا "دیپلماسی انقلابی" نام نهاده است و مشحون است از کنایه‌ها و طعنه‌ها علیه ما، فدائیان خلق. ما که بزعم ایشان "جامعتی" از بین رفته‌ایم. ما که "گروهک" هستیم. ما که "موجودیت" عینی و مبارزاتی نداریم. اما خود نمی‌دانند که چرا نزدیک به نیمی از این پیام خطاب به ما و علیه ماست؟! این دوگانگی ناشی از چیست؟ "ثورای ملی مقاومت"، این "تنها آلترناتیو"، بقول آقای رجوی آنقدر "بالغ" و "عاقل" است که به سطح همنشینی با سران کشورهای امپریالیستی رسیده است! چرا دیگر مهمترین پیام سال و شاید چندین ساله خود را به "جامعتی" "نابالغ" و از "بین رفته" اختصاص می‌دهد؟ آقای رجوی طی این دوگانگی از یکطرف نفی ناچیزی و نبود حیات فعال فدائیان را به‌مراه قافیه تنگ مانده "تنها آلترناتیو دمکراتیک" سر می‌دهد و از طرف دیگر انرژی و استعداد و توان خود را در نیمی از پیامش به حمله علیه ما اختصاص داده است. این دوگانگی نمایانگر این واقعیت است که علیرغم خواست سران مجاهدین، نمی‌توان عنصر اجتماعی با ریشه و شاخ و برگ‌دار و حیات‌دار و حیات بخش فدائی را نادیده گرفت. بعلاوه، این دوگانگی خود بر یک امر آشکارناپذیر دیگر نیز دلالت دارد و آن اینکه رجوی موجودیت ما را مانعی در راه دستیابی به اهداف فرمبستی خود می‌بیند. بهمین دلیل ضمن نفی موجودیت فعال ما، به‌بیشترین تلاش برای خنثی کردن اشارات آگاهگری‌های ما بکار می‌گیرد.

گذشته از مطالب فوق، پیام عمیقاً مذهبی، یا دقیقتر بگوئیم خرافاتی رجوی، بر پندار آنها شبیه هنوز بر این توهم‌اند که مجاهدین از مذهب تنها بعنوان پوشش و وسیله‌ای جهت جلب مردم مذهبی استفاده می‌کنند، مهر باطل می‌زند. این دسته از متوهمین استدلال می‌کنند که: مجاهدین برای مردمی که پشوانه مذهبی دارند و هنوز در تب خرافات مذهبی می‌سوزند و هر واقعه مهم و غیر مهم را ناشی از اراده "باری - تعالی" پنداشته و به توجیه آن می‌پردازند و سرنوشت خود را منوط به اراده "قوای بزدانی" می‌دانند و هنوز برنامه و عمل خود را بر فتوای مذهبی این و آن می‌نهند، از پوشش مذهبی استفاده می‌جویند و گرنه خودشان خواهان جامعه‌ای مدرن و پیشرفته، دمکراتیک، آزاد و خالی از خرافات مذهبی و عوام‌فریبی‌های ناشی از دین سالاری و غیره می‌باشند، و هرگز از عقب ماندگی و فرهنگ مذهبی مردم و نیز اصول مذهبی خود برای سرکوب مخالفین خود (همانند آنچه خمینی کرده است)، سود نخواهند جست. اما پیام رجوی که اعتقاد عمیق او را به مذهب و خرافات ناشی از آن روشن تر می‌کند، قدمی است به عقب نسبت به آنچه در گذشته در تکوین مذهب التقاطی خود انتشار داده بودند. مسلماً همانقدر که مجاهدین در مبارزه طبقاتی جهت‌گیری خود را به‌راست فرموله و توجیه می‌کنند، باید در چهارچوب عقیدتی و مذهبی نیز این تطبیق را بوجود آورند. بینش‌التقاطی مجاهدین نسبت به مذهب مربوط به دوره‌ای بود که پرچم مبارزه علیه بورژوازی و امپریالیسم را برافراشته بودند. امروز که این پرچم را به‌کناری می‌نهند و بزیر پرچم بورژوازی می‌خزنند، لازم است که در وجه فلسفی نیز تجدید نظر کنند، زیرا که در تعهدشان نسبت به خلق

پیام رجوی که با مقدمه‌ای انکارگرایانه و دین پناه مآبانه و رو به آسمان نگاشته شده است، قدمهایی است به عقب نسبت به دورانیکه مجاهدین "دست خدا" را تنها "در آستین شوده‌ها" می‌دیدند. در این پیام رجوی، مکرر و مکرر بخاطر بخشایش "خداوند" (کدام بخشایش؟! شکر و ستایش نموده است و می‌گوید که: "در پیشگاه پروردگار بکنا سجده شکر بجای می‌آورم. باشد که آیات رحمت و عزت او بر نسل ما بیشتر پدیدار گردد." (مجاهد ۲۱۹). (کدام رحمت و عزت! رژیم خمینی؟! رجوی که این چنین در ایده‌آلیسم مذهب غرق شده است و "خداوند" را بخاطر اینهمه "بخشایش" به آنها ستایش و شکر کرده است، بدنبود که نه برای هواداران "آگاه" خود، که برای "مخالفین ناآگاه" می‌نوشتند که چگونه اراده "خداوند عادل" بر حکومت پنجماله جهل و خرافات، قساره و اعدام، شکنجه، کشتار، فقر، بدبختی و بیماری، جنگ و آوارگی جمهوری اسلامی رأی داده است و "تنها" آلترناتیو انقلابی را که ناشر نعمات "خداوند" است، از حکومت مطلوب که لابد عین اسلام است، محروم ساخته است!

این پیام همانقدر که با مقدمه‌ای مذهبی آغاز شده است، پس از انجام وظائفش، یعنی حمله و پرخاش به سازمان فدائیان، توجیه نزدیکی به امیرالایم و همچنین باز کردن گوشه‌ای از دعوای داخلی مجاهدین با بنی صدر و برای اولین بار اتخاذ مواضع ۱۸۰ درجه متفاوت نسبت به گذشته در مورد او، با مناجاتی که غیر از درماندگی و عجز می‌دهد، پایان پذیرفته است. در این پیام، بجای هرگونه برخورد و ارزیابی مادقانه از حرکت اخیر سازمان مجاهدین، و بجای انتقاد و اعتراف نسبت به خطاها، پیشگوشی‌های غلط، تاکتیک‌های نابجا، شیوه‌های سازشکارانه (و از جمله همدستی با بنی‌صدر و اصرار حتی بر انتخاب مجدد او به ریاست جمهوری، بنی‌صدری که امروزه ناکه‌سان توسط آقای رجوی "ردل"، "خاگن" و "ارتجاعی" نامیده می‌شود)، و بجای درس‌گیری و درس‌آموزی از تجارب شکست خورده و ضربات وارده ناشی از این عملکردها، نوشته می‌شود: "بارخدا یا تقصیرات و لغزش‌ها و خطاهای زندگان ما را ببخش، زشتی‌هایمان را در پرتو جمال و کمال خودت ببوشان و به خیر و نیکی مبدل کن" - (مجاهد ۲۱۹). بجای توسل به یک برنامه انقلابی، گسستن از زده‌بندهای رژیمستی که با محافل امپریالیستی بعمل آورده‌اند و نتیجتاً جلب حمایت توده‌ها و تکیه بر این حمایت، و ارائه راه حل انقلابی و عملی و رها کردن تاکتیک‌ها و شیوه‌های جدا از توده، و سازماندهی سیاسی و مبارزاتی

توده‌هاشیکه از رژیم بریده‌اند، ندای مناجات به آسمان برمی‌دارد و می‌نویسد: بارخدا یا "ما را در کتف حمایت و رحمت خود بگیر و در خدمت به خلقت هرچه نایسته‌تر گردان. بارخدا یا انقلاب‌رها شیبش و نویسن خلق در زنجیر ایران را هرچه سریع‌تر به حاصل و ثمر بنشان و..." (همانجا)

مناجات رجوی، یادآور انسانهای مستأطلی است که قادر نیستند خود با نیروی تعقل و اراده بر مشکلات فاشق آیند، لذا برای رفع مشکلات و حل معضلات نیروی ماورالطبیعه را به یاری می‌طلبند. مناجات رجوی به درگاه "باری تعالی"، مناجات‌سازمانی است که خود را در تارهای شنیده بدست خود گرفتار می‌بیند و شهادت از هم دریدن و خلاصی از آن را ندارد. این مناجات‌سازمانی است که بجای غلبه بر مشکلات، مشکلات بر آن غلبه کرده است. این مناجات اعتراف ضمنی رهبران مجاهدین به عدم کارآیی شیوه‌های مبارزاتی آنهاست. این مناجات، انتظار دست‌گیری را می‌کشد که ندانم کاری‌ها و آرزوهای برنیاورده مجاهدین را پاسخ گوید. این مناجات، فراموش کردن قوانین تکامل بشری و مبارزه طبقاتی است. این مناجات، بهیچ انگاشتن قدرت توده‌هاست. این مناجات، نافی تمام ادعای کاذبی است که رهبران مجاهدین برای حفظ موقعیت خود به هواداران نشان تحویل می‌دهند. این مناجات، شاخص دیگری است از شکست استراتژی مجاهدین.

مجاهدین و آثار مارکسیستی

شاید بهتر بود آقای رجوی برای اظهار نظرسر بهرامون مسائل مارکسیستی از آقایان "کمونیست" ها - شیکه درون شورا با انتظار کسب "منصب" و "مقام" از هم امروز دور "شیرینی" حلقه زده‌اند، یاری می‌جستند. تا آنجا که ما می‌دانیم، آنها برای توجیه خدمتشان به "اسلام عزیز"، البته از نوع "دمکراتیک و ملی" آن، درشان را خوب خوانده‌اند! ما به توانایی‌های مذهبی آقای رجوی شکی نداریم. ایشان از بسیاری از آخوندها در زمینه مباحث و مسائل اسلامی، روایات و حدیث و غیره تواناتر و خبره‌ترند. اگرچه به گرامام خمینی نمی‌رسند. ایشان خوب می‌دانند که چگونه دل افراد ناآگاه و اسلام‌زده را بدست آورند و حمایت آنها را جلب نمایند. رجوی خوب می‌تواند صفحات متعددی را سیاه کند بی آنکه نکته‌ای گفته باشد. او می‌تواند با

داستانها و ضربالمثل های عامه فهم به زبان ابتدائی و عامیانه بسیار افراد ناآگاه را بدنیا خود بکشاند. ولی ایشان باید بدانند که نمیتوان با سرکشیدن به آثار مارکسیستی و بیرون کشیدن کلماتی از یک متن و چسباندن آنها پشت سر هم، خود را مفسر متون مارکسیستی دانست. البته شاید اینگونه اظهار نظرها برای کسانی که در مورد مارکسیسم در سطح تبلیغات دشمنان مارکسیسم شنیده اند، از سرشان هم زیاد باشد و آقای رجوی را نیز آدم مطلعی در این زمینه بخوانند، ولی بد نیست برای ارزیابی اینگونه زست های فاضل ما بانه آقای رجوی از نوشته خود ایشان که علیه ما بکار برده است، مدد بجوشیم. ما می - آنکه حتی نقطه ای از آن کم و یا به آن اضافه کنیم، جمله ایشان را در اینجا نقل می کنیم. ایشان می نویسند: "... بنظر میرسد عوام فریبی و دجالیت خمیستی بر زمینهای از گمبود و آگاهی و دانش و بینش انقلابی و اجتماعی به خیلی های دیگر نیز سرایت کرده است." (مجاهد ۲۱۹) و سپس بدنیا ل این توهین، چند نقل قول بریده بریده از آثار لنین و مارکس می آورند تا بزعم خود مشکل کمونیست هائی را که هنوز مسئله زد و بند آنها با امپریالیسم برایشان حل نشده است، حل کنند. آنطوریکه گویا مارکس و لنین خود زده و بند با امپریالیسم را از اصول مارکسیسم دانسته اند! ادعای رجوی مبنی بر سرایت "دجالیت و عوام فریبی خمینی" به ما و برخورد و ادعای وی (رجوی) در مورد مسائل مارکسیستی بقول مارکس "معجون نفرت انگیزی است از بزرگی کلام و کوچکی منزه". ما مطابق معمول بجای برخورد به مثل، به ارشاد استدلال های خود می پردازیم. ابتدا به سو - استفاده رجوی از کتب مارکسیستی اشاره می کنیم.

"تئوری شکاف" و کپی برداری مجاهدین از حزب توده

لنین خود نوشت که "خواستہ دمکراتیکی وجود ندارد که تحت شرایط معینی بعنوان ابزار در دست بورژوازی برای فریب کارگران خدمت نکرده باشند یا نکنند." (درباره مسئله خلقها).

همیشه جریانات رفرمیست و سازشکار استعداد خود را بکار می گیرند تا برای توجیه عمل خود و قانع کردن دیگران نقل قول هائی از متون کلاسیک مارکسیستی بیرون بکشند تا نویسندگان این متون را که مسورد قبول و احترام دیگران هستند، تاثید کننده سازش خود جلوه دهند. حزب توده پر استعدادترین جریان بی بود که تلاش مکرر کرده است که حتی برای خیانت های متعددی که مرتکب شده است، آموزگاران مارکسیسم را به لسوت بکشد و طوری وانمود کند که سیاست های آنها عین آموزش های مارکسیسم است.

در این میان یکی دو نمونه برجسته و بسیار جالب توجه وجود دارد که ما در زیر بدان اشاره خواهیم کرد. اما اجازه بدهید قبل از آن، سه روش مشابهی که مجاهدین علیرغم فدیت هایشان با کمونیست ها، خود با استفاده از منابع مارکسیستی بکار می گیرند، اشاره کنیم.

سازمان مجاهدین در گذشته ضمن مرزبندی با رفرمیسم، خط مشی انقلابی را اتخاذ نمود و از آنجا - شیکه بینش صرفاً مذهبی، تا آنجائیکه به اصول خدشه ناپذیر آن مثل قرآن مربوط می شود، پاسخگوی نیازهای بشریت متعین امروزی نیست و بکارگیری سنتی آن در عصر کنونی، چیزی جز رژیم جمهوری اسلامی و خمینی و نوع مدرن آن، بازرگانها از آب در نمی آید، بنیادگذاران مجاهدین با بهره گرفتن و عاریه از متون مارکسیستی، بکار بینش التقاطی بین مذهب و مارکسیسم را در فلسفه، اقتصاد و سیاست برگزیدند و در عمل به مبارزه انقلابی و خونین با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه پرداختند. نیاز مجاهدین به متون مارکسیستی آنها را کم و بیش با بعضی مسائل مارکسیسم آشنا و از آن متأثر نمود و تا زمانی نیز این آشنائی اشرا ت مثبت خود را بر حرکت این سازمان بجا گذاشت اما بتدریج که این سازمان به انقلاب و راه انقلابی پشت کرده و راه سازی و رفرم را در پیش گرفته است، استفاده های انقلابی از آثار مارکسیستی را نیز کم کم رها کرده، همانند حزب توده در جستجوی توجیه حرکت رفرمیستی خود بر می آیند و از قضا به راهی کشیده می شوند که حزب توده سالها قبل تجربه کرده بود. در این میان بد نیست یادآوری شود که رجوی در آخرین پیام خود در توجیه دریافت پیام از سران امپریالیسم آمریکا، از میان ۴۵ جلد آثار لنین، با استناد به کتاب "چپ روی، بیماری کودکی" نقل قولی از او را مورد سوء استفاده قرار داده است که حزب توده سالهای متوالی سرلوحه خط مشی رفرمیستی و سازشکارانه خود قرار داده بود، بی آنکه اشاره کند که لنین در چه شرایطی و برای چه منظور و چه کسانی را مخاطب قرار داده بود. بهر حال در این نقل قول لنین اشاره می کند که برای پیروزی بر دشمن باید از هر "شکافی" در بین دشمنان، هر قدر هم که کوچک باشد، هر چه قدر هم ناچیز باشد، مشروط و بانهایت دقت و مواظبت و غیره استفاده شود. حزب توده با بیرون کشیدن این جملات از آثار لنین و نادیده گرفتن شرایط لازم و با نصب العین قرار دادن آن در صدر برنامه های خود، تا بدانجا پیش رفت که شمام استراتژی خود را بر نفوذ از طریق شکاف ها و تضادهای درون هیئت حاکمه قرار داد و - دیدیم که چگونه همین استراتژی مورد استفاده حزب توده در زمان رژیم جمهوری اسلامی ادامه یافت و

سراشام چگونه حزب توده در لایبای شکاف های جناح های حاکم، ذوب شد. حال مجاهدین همین استراتژی شکست خورده را پیشه کرده و دریافت پیام از امپریالیست ها را استفاده از تضاد آنها قلمداد کرده اند. دریافت پیام از دشمنان قسم خورده بشریت را، که تمام جهانیان از دست آنان بستوه آمده اند و هر کجا آتشی علیه مردم برپاست، در آن دست داشته و دارند و مغفورترین رژیم های جهان، چون رژیم

قربانی را نجات دهند. آیا اختلاف و تضاد ایستادن گروگان بر سر باید و نباید قربانی کردن است یا میزان ونحوه سهم بری از این قربانی ها. نقش مجاهدین در این کشمکش جناحین و بقول خودشان، از این "میان بازی" چیست؟ باید پرسید که آیا این شما هستید که می خواهید از امپریالیست ها استفاده کنید و با این امپریالیست ها هستید که می خواهید از شما استفاده کنند؟ حال ما نمی دانیم که وجه تشابه



برادر مجاهد مهدی ابرازنجی عضو دفتر سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران در دیدار با هانس دیتریش گنشر معاون صدراعظم، وزیر امور خارجه و رهبر حزب لیبرال آلمان فدرال



از سوی دیگر روشن است که شناسایی شورای ملی مقاومت بشارت قطع امید و اعلام عدم مشروعیت رژیم های شاه و خمینی از جانب شخصیت ها و اجزای پارلمان ها و دولت های مربوطه است.

- ◆
- ◆
- ◆
- ◆ ملاقات گنشر با رافسانجی در تهران



Less verbal abuse: Parliamentary Leader Rafsanjani confers with Genscher
Breaking through a ring of isolation to begin political dialogue with the West.

ملاقات گنشر، وزیر امور خارجه امپریالیسم آلمان در قاعده کوناهای با رهبران مجاهدین و رافسانجی به چه معناست؟!

مجاهدین با رژیم صهیونیستی اسرائیل در کجاست که دمکراتهای آمریکا هر دو را مورد حمایت قرار می دهند؟ اگر این آقایان بزعیم مجاهدین طرفدار "ملح و آزادی و عدالت اجتماعی" بودند فروریختن این همه بمب و خمپاره بر روی آوارگان فلسطین آنهم طی چندین دهه و طی حمایت مستقیم و علنی از جلادان خلق فلسطین، از چه روست؟ آیا مجاهدین را برای این "معصا" پاسخی است؟ حتما مجاهدین خوب می دانند که همین حزب "دمکرات" امپریالیسم آمریکا چه بسا نقش فعال تری

خونخوار اسرائیل با حمایت بی قید و شرط ایستادن، بویژه "دمکراتها"ی مورد نظر مجاهدین، چون کندی ها، سر پا ایستاده اند، چه نوع استفاده ای از تضادهاست؟ حتما رهبران مجاهدین می دانند که تضاد جناحین امپریالیسم نه بر سر پایان یا عدم پایان استثمار از نوع استثمار نوین، که بر سر چگونگی پیشبرد آنهاست. حال مجاهدین که خود را منادیان جامعه ای که قربانی دسیسه های این گروگان شده و میشود می دانند، چگونه می خواهند با کنار آمدن با جناحی از گروگان،

در بمبارانهای جنون آمیز جنگ ۳۰ ساله مردم وینتنام داشته است. آیا رهبران مجاهدین از خود پرسیده اند که چگونه اینهمه جنایات را می توان با عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق مردم یکجا جمع کرد؟ اگر بتوان با جناحی از امپریالیسم آمریکا کنار آمد، چرا نمی توان با جناحی از رژیم خمینی کنار آمد. فرق ما چرا در چیست؟ چرا مجاهدین نقل قول لنینین و تز "شکافها" را در مورد جناح های هیئت حاکمه رژیم خمینی بکار نمی گیرند؟ و چرا فقط بنی صدر فدا انقلابی و خاشن را که با کاربرد همین شیوه می خواهد با جناحی از رژیم کنار بیاید، سرزنش و محکوم می کنند؟ و مگر بنی صدر نمی تواند تحت لوای همین تاکتیک، گام های اخیر خود را در طی راه خیانت بارش توجیه نماید؟ و اصولاً مگر مجاهدین یکبار با نزدیکی به جناح لیرال رژیم خمینی یعنی همین "آقای رئیس جمهور" دیروز شورای ملی مقاومت، و عنصر "خاشن و ماهینا" ارتجاعی امروز" (مجاهد شماره ۲۱۹) که تحت همپس استراتژی استفاده از شکافها صورت گرفت، چه طرفی بسته اند که باز همچنان این استراتژی بی فرجام را ادامه می دهند؟

آری شما می خواهید از "فدائ" امپریالیست ها استفاده کنید و بنی صدر می خواهد از فداد جناح های رژیم خمینی استفاده کند. شما می خواهید با جناح دور اندیش امپریالیسم، و بنی صدر می خواهد با جناح دور اندیش جمهوری اسلامی کنار بیاید و شما بر سر این اختلاف سلیقه علیه یکدیگر پرخاش می کنید در حالیکه ما می گوئیم تمام جناح های رژیم خمینی و تمام جناح های امپریالیست ها سراسر یک کرباس بوده و دشمنان قسم خورده مردم ایران و جهانند و انقلاب را با آنها کاری نیست. فرق ما با شما در همین است.

نهاد دمکراتیک یا

حزب دمکرات "آ" آمریکا

اما نکته بسیار در خور توجه، سوء استفاده های ناشیانه ای است که رجوی از نوشته های لنین کرده است. اولاً باید گفت روی سخن لنین، پرولتاریا و کمونیست است و ربطی به جریان نامتجانس و بی در و پیکری مثل شورای ملی مقاومت که تا غلبان مسعود اعتماد شاه جلاد را نیز در خود جا داده است، ندارد. ولی نکته جالبتر اینکه رجوی عوامفریبی را تا بدانجا پیش برده است که برای فریب هواداران "بسیار آگاه خود"، نهادهای "دمکراتیک" جامعه سرمایه داری را با حزب دمکرات امپریالیستی مساوی هم قرار داده و به نقل از لنین می نویسد: "امتناع از کاربرد نهادهای دمکراتیک جامعه سرمایه داری... (ا مری نادرس) (عبارتی که رجوی اضافه کرده است) و همانا تسلیم بی قید و شرط

در برابر فرصت طلبی است... (مجاهد ۲۱۹). ایشان نهادهای دمکراتیک جامعه سرمایه داری مثلاً "کاشون نویسنده گان"، "سازمان زنان"، "انجمن معلم گان"، اتحادیه های صنفی و غیره را با حزب دمکرات آمریکا که برای سرکوب و استعمار خلقهای جهان با رقیب خود حزب جمهوریخواه اختلاف سلیقه دارد، یکسان وانمود کرده و با بدک کشیدن نام لنین خواسته است پیام های دریافتی از سران جناحی از امپریالیسم آمریکا را توجیه نماید! حال باید پرسید آقای رجوی "عوامفریبی و دجالیت خمینی" بما سرایت کرده است یا به شما؟! آیا "حزب دمکرات" آمریکا نهاد دمکراتیک جامعه سرمایه داری است که شما می خواهید از آن "به شیوه لنینی" استفاده کنید؟ و آیا این شانکر این است که شما ابتدائی ترین درکی از این نکته لنینین نداشته اید یا اینکه عمداً خود را به بیراهه زده اید؟ راستی چرا برای اثبات ضد امپریالیست بودن خود و اینکه نزدیکیتان با جناح های از امپریالیست ها فقط "تاکتیک لنینی" و "استفاده از تضادهاست"، اینهمه راه دور می روید؟ شما می توانید در کنار شعارهای متعدد مرگ بر خمینی، مثل سابق، درست مثل سابق و نه بیشتر، شعار مرگ بر امپریالیسم را پای صفحات نشریه مجاهد بکنجانید و گاهگاهی هم با چاپ مقالاتی در آن، بخشی از جنایات بی شمار امپریالیست ها را در نقاطی مثل آفریقای جنوبی، السالوادور، نیکارا - گوئه، لبنان، فیلیپین و... افشا، و محکوم نمائید و از هواداران تنان بخواهید که مثل سابق در مبارزات خلقهای تحت ستم امپریالیسم و نظایرات فدا امپریالیستی متعددی که در شهرها و کشورهای مختلف از طرف نیروهای مترقی بین المللی برگزار میشود، شرکت جویند و اعلام همبستگی نمایند. تا برای ما هواداران "نا بالغ" فدائیان که درک مسائل و تاکتیک های پیچیده شما دشوار است! غیبت سیمتاتیک مجاهدین از این نوع مبارزات، ایجاد سؤال نکند.

شباهت آقای رجوی با مارکس

نمونه دیگری از عوامفریبی رجوی در این زمینه سوء استفاده او از نوشته مارکس است. او برای توجیه دریافت پیام از رهبران امپریالیست ها و بقسول خودش، "پیروزی های دیپلماتیک آلترناتیو انقلابی" که ارزانی شان باد، این نوشته مارکس را نیز مورد سوء استفاده قرار داده است. قبل از هر چیز اجازه بدهید عبارتی را که رجوی از مارکس نقل کرده، بهمان شکلی که او آورده است، در اینجا باز نویسی کنیم. "... این امر را که سرنوشت، ابراهام لینن - کلن فرزند وفادار طبقه کارگر را در این تبرد بی نظیر